

بخش اول

مباحث مقدماتی

مقدمه و تاریخچه:

ترجمه: «پس نکاح کنید کسی را که خوش آید به شما از زنان دو دو و سه سه و چار چار پس اگر ترسیدید، که عدل کرده نمی توانید پس نکاح کنید یک زن رایعی کنیزی را که مال تان است این نزدیکتر است با آنکه جور نکنید.» «سوره نساء آیه 3، تفسیر کابلی»

متن ماده 86 قانون مدنی در رابطه به تعدد زوجات «ازدواج با بیش از یک زن بعد از تحقیق حالات آتی صورت گرفته می تواند:

1. در حالیکه خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد.
 2. در حالیکه شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن، تداوی مناسب را دارا باشد.
 3. در حالیکه مصلحت مشروع مانند عقیم بودن زوجه و یا مصاب بودن وی به امراض صعب العلاج، موجود باشد»
- تعدد زوجات از جمله موضوعات عمده و اساسی در قوانین کشور های اسلامی از جمله افغانستان در رابطه به خانواده و به خصوص در رابطه به حقوق زنان میباشد. به همین جهت این موضوع در قران کریم و در قوانین کشور های اسلامی گنجانده شده است، تا حدود و شرایط آن واضح و روشن بوده و بر علاوه از بی عدالتی در امور شخصی زندگی مسلمانان جلوگیری صورت گیرد.

گزارشی که در دست دارید بررسی است از پدیده تعدد زوجات در افغانستان با در نظر داشت هدایت صریح قرانکریم و مواد مشخص در قانون مدنی افغانستان.

از جانب دیگر خانواده منشا اصلی و اساسی جامعه را تشکیل داده و در شکل اجتماعات بشری و ارتقای تمدن بشری نقش عمده و اساسی را دارا می باشد، زیرا اصلاح جامعه منوط به اصلاح خانواده است و تحکیم جامعه بر ثبات و استحکام بنیاد خانواده استوار می باشد. بررسی تعدد زوجات از جهت اینکه اساس تشکیل خانواده را ازدواج می سازد و خود ازدواج پیمان مقدس و عهد محکمی برای ریختن شالوده زندگی دو انسان است از اهمیت فراوان برخوردار است.

تعدد زوجات زمانی من حیث آسیب اجتماعی تلقی می شود، که مردان برخلاف آنچه شریعت اسلام و قانون مدنی افغانستان در این باره ارشاد فرموده، تصمیم به گرفتن زن دوم، سوم و حتی چهارم میگیرند و در این حالت خانها از حقوق شان که شریعت و قانون مدنی برایشان داده محروم شده و قربانی اعمال غیر قانونی میشوند.

از آنجایی که در بین تمامی نهادها، سازمانها و تاسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد و تمام آنانیکه در باب سازمان جامعه اندیشیده اند و همه مصلحین، حتی رویا گرایان و آنان که به ناکجا آباد* رومی کردند برخانهاده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تاکید ورزیده اند، لازم است تا روی عواملی که سلامت خانواده را به خطر مواجه میسازد با دقت و احتیاط فراوان برخورد صورت گرفته و اقدامات لازم برای حفظ سلامت خانواده به عمل آید.

* آن گروه متفکرانی که از رویاروی با واقعیت اجتماعی بازماندند، کنج خلوتی گزیدند و در آن جامعه ای رویای یا خاص میل و سلیقه خویش بنا کردند. آنان را اصطلاح «ناکجا آباد گرا» utopianist می خوانند و جامعه رویایی شانرا «ناکجا آباد utopia». ادبیات اجتماعی مشحون از اندیشه های آنان است و از افلاطون تا توماس مور، سرتاسر تاریخ دانش را پوشانده اند.

این گزارش در بر گیرنده معلومات کافی و روشن در رابطه به مواد قانونی و شرعی در رابطه به چگونگی استفاده از تعدد زوجات و مقایسه آن با شیوه عمل مردان در افغانستان در رابطه به موضوع میباشد؛ همچنان اثرات تعدد زوجات که بدون در نظر داشت اصول قانونی و شرعی صورت گرفته است بالای زنان، اطفال و اجتماع و حتی خود مردان به تحلیل گرفته شده و نظریات علماء، قانون دانان، رهبران مذهبی و مردم به صورت عام در قسمت های مختلف این گزارش انعکاس یافته است.

نظریات مردم در مورد تعدد زوجات :

« با وجودیکه شریعت اسلام به ما اجازه داده است که تا 4 زن را به عقد در بیاوریم، اما حدودی که بر آن وضع کرده امکان حتمی بودن این امر را بسازد مشکل و حتی ناممکن می‌سازد.»

«تعدد زوجات یک آسیب اجتماعی است، در صورتیکه شوهر مغایر شریعت به آن عمل کند و به نظر من

«گفتن به زبان سهل است، اما من با داشتن زوجات متعدد در شرایط کنونی جامعه، موافق نیستم. زیرا برداشتی که من از این عمل دارم. تحقق عدالت را امکان‌ناپذیر می‌سازد.»

اهداف تحقیق:

- این گزارش تحقیقاتی با توجه به اهداف ذیل تهیه شده است:
- 1- تحلیل تعدد زوجات در افغانستان
 - 2- بررسی شیوه استفاده از تعدد زوجات در مقایسه با هدایات اسلام و قانون مدنی افغانستان
 - 3- بررسی موقف ادارات قضایی افغانستان در قبال تعدد زوجات
 - 4- بررسی اثرات تعدد زوجات بر خانواده و اجتماع

شيوه تحقيق:

اطلاعات و آمار مورد نیاز این تحقیق از طریق سوا
لنامه ها و مصاحبه ها جمع آوری شده است. سوالنامه
ها و مصاحبه ها با دقت لازم توسط محققین موظف پروژه
تهیه و بعد از امتحان در یک دوره آزمایشی مورد
استفاده قرار گرفته است.
تحقیق هذا با طی مراحل ذیل به عمل آمده است:

الف - مرحله استخدام مصاحبه شوندهگان:

با توجه به حساسیت موضوع تعدادی از افرادی که با
محلّات مختلف تحت برنامه تحقیق ما بلدیت داشتند به صفت
مصاحبه کننده استخدام شده و پرسشگران به منظور
آگاه شدن از اهمیت تحقیق و آشنایی با شیوه جمع آوری
معلومات و تکمیل سوالنامه ها آموزش های لازم را
دریافت و سپس به محلّات از قبل تعیین شده غرض تشخیص
قضایا و تکمیل معلومات اعزام شدند.

ب- مرحله جمع آوری معلومات:

با استفاده از این سوالنامه ها حد اکثر معلومات
لازمه جمع آوری شده است. پرسشنامه ها دارای دونوع
سوالات « باز و بسته» بوده تا زمینه وسیعتر را برای
جمع آوری معلومات فراهم کند. «نمونه پرسشنامه ها را
در ضمیمه شماره «2» مطالعه فرمایید».

ج- تحلیل و بررسی معلومات:

معلومات دریافتی به طور همه جانبه مورد بررسی قرار
گرفته و در نتیجه نقاط اساسی و خط تحقیقی گزارش
مشخص و با توجه به آن راپور تهیه شده است .

جامعه آماری «محلّات مورد بررسی»:

جامعه آماری یک تحقیق عبارت از تمامی افرادی است ،
که نتایج تحقیق به آن تعمیم داده شده است .
بنابراین جامعه آماری برای این تحقیق، تمامی زنان و

مردانی است که به شکلی به موضوع تعدد زوجات مرتبط اند. این تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری بر اساس تقسیمات جغرافیایی تهیه شده است. درین نمونه گیری محلات از نقطه نظر جغرافیایی به محدوده های مختلف تقسیم شده و به نمایندگی از هر محدوده یک ولایت تحت پوشش قرار گرفته است. محلات بررسی شده قرار ذیل اند:

1. هرات
2. میدان
3. کابل و حومه آن
4. بلخ
5. جوزجان
6. پروان
7. بدخشان
8. قندهار
9. ننگرهار

از آنجاییکه نمونه گیری این تحقیق از ملیت ها و مناطق جغرافیایی مختلف صورت گرفته است میتوان گفت، که نتایج این تحقیق به تمام افغانستان تعمیم یافته میتواند. «نقشه محلات مورد بررسی را در ضمیمه شماره 3» ملاحظه کنید.»

اصول و پرنسپب ها:

به طور کلی در تمام مراحل این تحقیق کوشش به عمل آمده است تا یک سلسله اصول و پرنسپب ها به منظور تامین نتایج و شیوه تحقیق به طور استندرد رعایت شود:

- 1- کوشش شده است تا اطلاعات ناب و دست اول و دقیق جمع آوری شود.

- 2- تحلیل و تجزیه معلومات به هیچ وجه منعکس کننده افکار و اندیشه های محقق نبوده و اصل امانت داری در آن رعایت شده است .
- 3- تحقیق میرا از هرگونه تبعیض بوده است.
- 4- مصئونیت مصاحبه شوندهگان از اولویت ها بوده است.
- 5- محرمت هويت قربانیان و مصاحبه شوندهگان مطمح نظر بوده است.

تعداد مصاحبه شوندهگان:

دراین تحقیق با تعداد 3250 تن به قرار ذیل مصاحبه شده است :

1. به تعداد 1350 نفر از افراد عام
2. به تعداد 450 نفر از مردانی که با بیش از یک زن ازدواج کرده بودند.
3. به تعداد 450 نفر از خانمها ي اول که شوهرانشان برای بار دوم نیز ازدواج کرده اند.
4. به تعداد 450 نفر از خانمها يی که با مردان زن دار عروسي کرده اند.
5. به تعداد 450 نفر از وابستگان این گونه فامیلها
6. به تعداد 90 نفر از ملامامان مساجد
7. به تعداد 10 تن از مسولین محاکم شهر کابل و ولایات یاد شده

مشکلات گروه تحقیق:

طوریکه همه می دانند ، هر تحقیق اجتماعی مشکلات خاص خود را دارد ؛ اما تحقیق پیرامون موضوعات حساس از قبیل تعدد زوجات و به خصوص در رابطه به زندگی شخصی ، مشکلات به خصوص خود را دارا می باشد . زیرا زنان که اولین قربانی این عمل اند ، کمتر حاضر به مصاحبه میشوند و اما به صورت کل تحقیق به مشکلاتی به

- شرح زیر مواجهه بوده که فرآیند جمع آوری معلومات را به کندي مواجهه مي ساخت:
1. عدم علاقمندي فاميلهابه مصاحبه
 2. مشکلات درتشخيص وشناسايي پاسخگو» جامعه آماري تحقيق»
 3. نبود امنيت كافي در بعضي از مناطق
 4. اكثرخانواده ها به خانمها اجازه مصاحبه را نمي دادند.
 5. چون موضوع حساسيت برانگيز است ؛ اكثرمردان از جواب دادن امتناع مي كردند.

بخش دوم

پيشينه تاريخي تعدد زوجات

تعدد زوجات تقريباً يك پديده تاريخي بوده، كه هم پاي حيات اجتماعي انسان قرار داشته است؛ گزارش هاي تاريخي در اين زمينه كم نيست . در دوره هاي مختلف تاريخي شواهد بيشتري در باره تعدد زوجات در دست است؛ در مشرق زمين، چند همسري، امري كاملاً معمول و مرسوم بوده است. ما دها، با بلي ها، آشوري ها، ايراني ها، هندوها، چيني ها تقريباً كمتر به داشتن همسر واحد، قانع بوده اند¹. در ايران عصر ساساني، چند همسري امر رايج بود و مردان، گذشته از زنان عقدي، زنان غير عقدي نيز مي گرفتند. كنيزان زرخريد و زنان اسير نيز بودند كه چاكر زن، خوانده مي شدند.² بهرام گور بنا به گواهي فردوسي از شاهنامه بيش از 930 زن براي خود اختيار کرده بود.

کنون نهد و سي تن از دختران همه
برسر از گوهران افسران

شر است خانم به مشگه، شاه

¹ امير علي سعادت هندي، تاريخ سياسي، اجتماعي و اسلامي، مترجم، ايرج رزاقی « تهران: نشر قوم، 1378» ص 207

² همان جا

در میان اسپارت ها، هر چند که مردان فقط در شرایط خاصی، اجازه ازدواج با بیش از یک زن را داشتند، اما زنان به میل خود می توانستند با بیش از یک مرد پیمان زنا شوئی ببندند.³

گزارشهایی از این دست، حکایت از آن دارند که ادیان و شرایع پیش از اسلام، تقریباً هیچ کدام کوشش محدود کننده ای در زمینه ای تعدد زوجات به عمل نیاورده بودند و سعی وافر آنها عمدتاً به دو اصل کلی بوده است. نخست، تحریم ازدواج با محارم، دوم الغای چند شوهری. اما تقریباً در همه ادیان و شرایع، اختیار زنان متعدد برای مردان مجاز بوده است. که حالا برای وضاحت بهتر تا حد امکان این ادیان و شرایع را مورد غور و بررسی قرار می دهیم.

1- تعدد زوجات در دین یهود:

در دین یهود ازدواج عامل جدائی زن از خانواده است و اصل ازدواج بر مبنای خریدن دختر است، که قیمت او به عنوان مهریه پرداخت می شود. رضایت پدر شرط اصلی ازدواج است. تعدد زوجات در میان دین یهودیان رایج است. مرد می تواند چند همسر برگزیند.⁴ و نیز جهت ازدیاد نسل امری مستحسن به شمار می رود.⁵ علاوه بر تعدد زوجه ها بدون حد و اندازه شرعاً جائز است.⁶

« چنانچه حضرت سلیمان پیغمبر 700 زن دائم 300 زن موقت داشته است. پسر سلیمان 18 زن دائم و 60 زن موقت داشته است»⁷

³ همان اثر ص 208

⁴ هاشم رضی، تاریخ ادیان، « تهران: کاوه، 1347، » ص 1245

⁵ همانجا

⁶ مبلغ آبادانی، تاریخ ادیان و مذهب جهان، « تهران: انتشارات روز، 1376

ص 626

⁷ همانجا

همچنان در این دین « شرط اساسی تعدد زوجات قدرت اقتصادی پنداشته می شود. »⁸ به این اساس هر که پولدار و غنی میبودمی توانست با بیش از یک زن ازدواج کند و اشخاص فقیر با وجود داشتن عذر های معقول چون : بی اولادی، بیماری ها و غیره نمی توانستند برای بار دوم ازدواج کنند.

2. تعدد زوجات در دین عیسویت:

باید اظهار داشت که ازدواج در انجیل با کم اهمیتی تلقی شده است. در انجیل آمده است که « حضرت مسیح مجرد زندگی کرده است »⁹

پولس **pols** می گوید : « شخص مجرد در امور خدا فکر می کند و متاهل در امور دنیا می اندیشد عیسی هرگز ازدواج نکرد لذا پولس هم ازدواج نکرد. »¹⁰

« در صورت ازدواج، هر گاه کار زن و شوهری به جدایی می انجامید، اجازه ازدواج دومی برایشان ممنوع بود و هر گاه چنین امری رخ می داد، چه زن و مرد زنا کار و مرتد شناخته می شدند. »¹¹

بنابراین استفاده از ماخذ فوق میتوان استنباط کرد که تعدد زوجات در دین عیسویت منع شده و اساس خانواده بر مبنای تک همسری است. و این امر تا اندازه مهم تلقی شده، با وجودیکه زن و شوهر نتوانند یکجا زندگی کنند و فضای خانواده شانرا اختلافات مکرر ساخته شده باشد نباید یک مرد زن دوم بگیرد.

3. فلسفه تعدد زوجات در اسلام :

⁸ همانجا

⁹ مبلغ آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب در جهان، « تهران: انتشارات روز، 1376 » ص 720

¹⁰ همان اثر، ص 721

¹¹ هاشم « رضی » تاریخ ادیان، کتاب سوم « تهران: انتشارات کاوه، 1374 » ص 1418

تعدد زوجات تا قبل از نزول قرآن، یعنی در حدود ۱۴۰۰ سال پیش، جزء رسم و رسوم زندگی بود. هنگامی که زمین جوان بود و کم جمعیت، تعدد زوجات یکی از راههای پر جمعیت کردن زمین بود، تا انسانهایی را بیاورد که لازم بود برای اجرای نقشه الهی به کره زمین بیایند. هنگامیکه قرآن نازل شد، دنیا باندازه کافی جمعیت پیدا کرده بود و قرآن اولین محدودیتها را راجع به تعدد زوجات تعیین کرد.

تعدد زوجات در قرآن اجازه داده شده است، اما تحت شرایطی بسیار سخت. هرگونه سوء استفاده از این اجازه الهی عذاب سنگینی ببار می آورد. بنابراین، اگر چه تعدد زوجات از طرف خداوند «ج» اجازه داده شده است، خوب است پیش از آنکه بگوییم تعدد زوجات اجازه داده شده است؛ شرایط آنرا دقیقاً بررسی کنیم.

بهترین مثال ما در اینجا محمد «ص» پیغمبر خدا است. او با یک زن ازدواج کرده بود، خدیجه، تا اینکه همسرش فوت کرد فرزندان هم از خدیجه بودند، بجز یکی از آنها. بنابراین، همسر و فرزندان تا زمانی که خدیجه همسر پیغمبر بود، یعنی مدت بیست و پنج سال، از توجه کامل پیغمبر برخوردار بودند. به دلایل خاصی محمد «ص» از سن ۲۵ سالگی تا سن ۵۰ سالگی، یک زن داشت. در خلال ۱۰ سال باقی مانده از زندگی با بیوه زنان مسن دوستانش که بچه های زیادی از خود باقی گذاشته بودند؛ ازدواج کرد. بچه ها به خانه احتیاج داشتند و به شخصیت پدری که پیغمبر «ص» آنرا فراهم کرده بود. فراهم آوردن شخصیت پدری برای یتیمان، تنها موقعیتی است که جهت طرفداری از تعدد زوجات در قرآن آمده است «۴:۳».

بغیر از ازدواج با مادر یتیمان، سه ازدواج سیاسی هم در زندگی محمد «ص» بوده است. دوستان نزدیک او ابوبکر «رض» و عمر «رض» اصرار داشتند که

پیغمبر با دخترانشان عایشه « رض » و حفصه « رض » ازدواج کند، تا وابستگی خانوادگی سنتی در میانشان برقرار شود. سومین ازدواج با ماریای مصری بود که بعنوان نشان دوستی سیاسی از طرف حاکم مصر به او داده شده بود .

این مثال کامل به ما میگوید، که مرد باید در زندگی زناشویی وفادار باشد و برای پرورش خانواده ای سالم و خوشبخت باید توجه کامل خود را صرف زن و فرزندان کند.

قرآن تاکید بسیار بر محدود کردن تعدد زوجات دارد :
 «اگر می‌تسید، که مبادا نتوانید مساوات کامل با بیشتر از یک زن برقرار کنید، پس باید یک زن اختیار کنید.» « ۲/۴ »
 «شما هرگز نمیتوانید بین چند زن به عدالت رفتار کنید، هر چقدر هم که سعی کنید.» « ۱۲۹/۴ »

محدودیت های قرآنی بر علیه تعدد زوجات احتمال سوء استفاده از قانون خدا را خاطر نشان میکند. بنابراین، تا زمانیکه کاملاً اطمینان پیدا نکرده ایم که از قانون خدا سوء استفاده نخواهد شد، باید جلوشهوت خود را گرفته و از تعدد زوجات دوری کنیم. اگر در موقعیت و مکانی هستیم که تعدد زوجات رایج نیست، بهتر آن است که همه توجه خود را صرف یک زن و فرزندان کنیم. رفاه اجتماعی و روانی کودکان، مخصوصاً در کشورهای که تعدد زوجات ممنوع است، تقریباً همیشه روش یک زنی را پیشنهاد میکند. طوریکه خواندیم اسلام رسم تعدد زوجات «چند همسری» را ملغی نکرد بلکه آنرا اصلاح کرد که این اصلاحات را به بررسی می گیریم:

1. تحدید تعدد زوجات: اولین اصلاحي که دین اسلام در این رسم به وجود آورد ، آنرا محدود کرد، زیرا قبل از اسلام تعدد زوجات نامحدود بوده است . یک نفر به تنهایی میتواند صد زن داشته باشد و از آنها حرم سرایی بوجود آورد، ولی اسلام حد اکثر برای آن معین کرد. یک نفر اجازه ندارد بیش از چهار زن داشته

باشد. در حکایات روایات افرادی در صدر اسلام دیده می شود، در حالیکه به دین اسلام مشرف شدند بیش از چهار زن داشتند و اسلام آنها را ملزم کرد تا مقدار زائید را رها کنند.

از آنجمله نام « مردی بنام غیلان بن اسلم » برده می شد، که 10 زن داشت پیغمبر اکرم « ص » او را مجبور کرد که شش تای آنها را رها کند و هم چنین مردی بنام نوفل بن معاویه پنج زن داشت پس از آنکه اسلام آورد، رسول اکرم امر کرد که یکی آنها را حتماً¹² رها کند.

2. شرط عدالت: اصلاح دیگری که اسلام به عمل آورد، عدالت را شرط کرد و اجازه نداد به هیچ وجه تبعیض میان زنان و میان فرزندان آنها صورت گیرد. در حالیکه در جهان قبل از اسلام اصل عدالت به هیچ وجه شرط نبود. چنانچه « دین یهود اقتصاد را شرط اساسی برای تعدد زوجات می دانست ».

3. رفع تبعیض: به هر حال اصلاح سوم که اسلام در تعدد زوجات انجام داد این بود، که تبعیض را چه میان زنان و چه در میان فرزندان ملغی کرد.

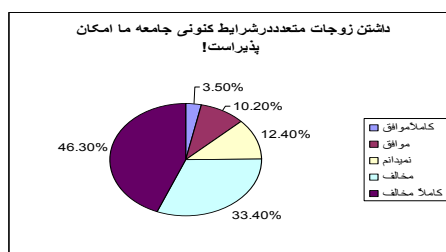
¹² شهید استاد مرتضی مطهری، حقوق زن در اسلام « تهران: انتشارات صدرا، 1311 » ص 446

بخش سوم

یافته های تحقیق

این فصل به تمام یافته های دست اولی مرتبط است، که در این تحقیق از ساحات ذکر شده متکی با آمار و ارقام ارائه شده بدست آمده است و نتایج آن تعمیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این یافته ها قرار ذیل اند:

بحث اول: مردم در رابطه به تعدد زوجات چي ميگویند:

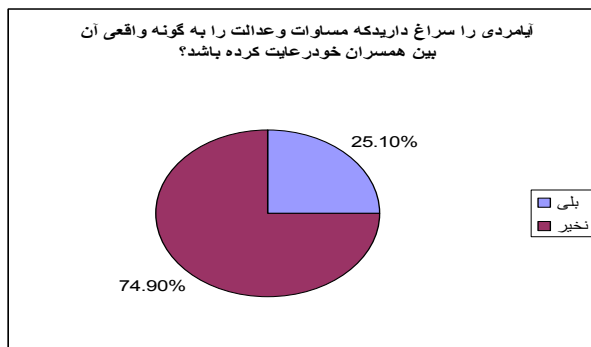


نتیجه مصاحبه با «1400» تن در مناطق مختلف کشور نشان میدهد، که ذهنیت عمومی جامعه بیشتر در جهت ترجیح تک همسری میباشد چنانچه گراف شماره «1» نشان میدهد که 86.5% مصاحبه شوندهگان تک همسری را برای حفظ سلامت خانواده ترجیح میدهند و صرفاً 13.5% به تعدد زوجات نظر موافق دارند.

به همین ترتیب در رابطه به اینکه تعدد زوجات در شرایط کنونی در جامعه

افغانستان امکان پذیر است یا خیر؛ بازهم عده زیادی از مصاحبه شوندهگان یعنی در گراف شماره «2» واضح می

سازد که 46.30% آنان تعدد زوجات را در شرایط کنونی زیست اجتماعی در جامعه امر کاملاً ناممکن میدانند.



در اخیر این نظر سنجی کوشش به عمل آمد تا عقاید مردم در باره عدالت و مساوات پیرامون آنانی، که بیش از یک همسر دارند مورد سنجش قرار گیرد، که این موضوع در گراف

شماره «3» وضاحت یافته است.

گراف واضح می سازد که بر تامین عدالت، اساسی ترین مشخصه تعدد زوجات تاکید دارد و واضح می سازد، که اکثریت قابل ملاحظه ای از مصاحبه شونده گان «75%» جواب رد داده اند.

چنانچه نظر یکی از زنان را در این رابطه میخوانیم: «برداشتی که من از تعدد زوجات دارم، تحقق عدالت و تامین آن از ویژگیهای خاص این امر است. اما من در شرایط فعلی چنین کسی را سراغ ندارم.»

بحث دوم: عوامل به میان آمدن تعدد زوجات:

با اینکه تعدد زوجات به صورت واضح و روشن در قرانکریم و در قانون مدنی افغانستان مندرج است؛ در بسیاری حالات دلایل و عوامل مختلف که شاید غیر از آنی باشد که در قانون درج است باعث، تعدد زوجات و یا ازدواج مجدد مردان میشود. به همین ترتیب با اینکه رضایت زنان در بسیاری موارد در ازدواج مطرح نیست؛ اما باز هم عواملی مختلف در ازدواج یک زن با مرد متاهل ذیدخل است.

ما در اینجا در دوجش مختلف عوامل ازدواج متعدد مردان و ازدواج زنان را با مردان متاهل به بررسی میگیریم :

الف - عوامل ازدواج مجدد مردان :

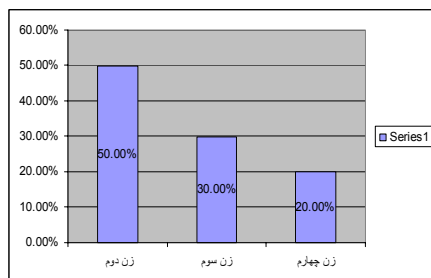
شماره	عوامل	فیصدي
1	رقابت هاي قومي	26.23
2	احساس نا امني	9.13
3	نداشتن فرزند	11.01
4	نداشتن پسر	6.00
5	بيماري خانم	13.25
6	اقتصاد قوي	7.32
7	قدرت و موقف	6.82
8	مسافرت	1.11
9	عرف و تعامل	14.12
10	تفاوت ها و عدم توافق ميان زن و شوهر	4.97

در نتیجه مصاحبه با تعداد « 950 تن » در یافتیم، که بیشترین فیصدي ازدواج مجدد مردان در مطابقت با موازین شرعی و قانونی نبوده، بلکه عوامل و موضوعات شخصی در آن زیدخل میباشد؛ در ذیل عمده ترین آنها را به بررسی میگیریم :

1. رقابت هاي قومي يا منطقوي :

تا جایکه نتایج مصاحبه ها نشان میدهد؛ دیده شده که در اکثر خانواده ها و اقوام یک سلسله رقابت هابین مردان وجود دارد و این رقابت ها در اکثر حالات، زندگی خصوصی افراد را تحت شعاع قرار میدهد. چنانچه اگر یکی از آنها نظر به بعضی علل و عوامل

مبادرت به ازدواج مجدد ورزند؛ سایرین نظر به رقابتي که باوي دارند مبادرت به گرفتن زن دوم و سوم و حتي چهارم مي کنند .



در این حالت بعضاً اتفاق می افتد که آنها ای 4 زن را در قید نکاح در بیاورند، که این موضوع در گراف شماره «4» بخوبی وضاحت یافته است :

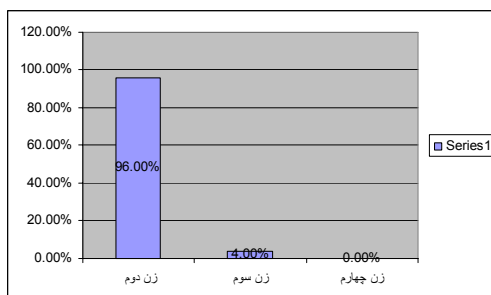
گراف واضح می سازد آنچه مردانی که نظر به رقابت ها بیش از یک زن می گیرند. مبادرت به گرفتن زن سوم و چهارم هم می کنند. که این موضوع در سایر حالات کمتر دیده شده است. در ذیل بعضی از نظریات را مرور میکنیم :

مردی از جلال آباد در این باره چنین گفت :
 « خانم ام بیمار بود زن دیگر گرفتم . پسر کاکایم با من همچشمی کرد او هم زن دیگر گرفت. من که دیدم زن سوم را نیز گرفتم...»

و یا مردی از قندهار چنین گفت :
 « خانم من با من سرساز گاری نداشت، مجبور شدم زن دوم بگیرم، برادرم نیز با من رقابت داشت زن دوم گرفت من که چنین دیدم زن سوم نیز گرفتم، برادرم نیز زن سوم گرفت. حالا تصمیم دارم که زن چهارم را نیز بگیرم .»

2. نیاز به مصونیت :

نیروی فیزیکی مردان برای مدافعه از جمله موضوعات بسیار مطرح در افغانستان به شمار میرود؛ از جهت دیگر منازعات بالای جایداد و ملکیت، نزاع بر سر مسایل خانوادگی، و امثال آن از جمله مشکلات عام و روزمره مردم در افغانستان به شمار میرود و از آنجاییکه برای حل منازعات و رسیدگی قانونی به آن معمولاً محاکم و ادارت امنیتی صلاحیت رسیدگی را دارند و مردم اکثراً به آن دسترسی ندارند. در این حالت آنها این گونه قضایا را خودشان حل و فصل می کنند و هنگامیکه این قضایا از طریق مسامت آمیز حل و فصل نشد دست به جنگ می زنند و واضح است که این جنگها را مردان



انجام می دهند و آنانی شکست می خورند. که تعداد مردان جنگی شان کم باشد. در نتیجه به نیروی فیزیکی برای برنده شدن در نزاع و جنگ اشد ضرورت احساس میشود و چون این نیرو صرفاً در وجود مردان قابل شناخت است، بناً برای داشتن مصونیت، و داشتن تعداد زیاد پسر حتمی است .

همچنان گراف شماره «5» نشان می دهد که بدین لحاظ در بعضی از مناطق آنعه مردانی که برادر ندارند و یا تعداد برادرانشان کم است و یا پسر کم دارند؛ احساس نا امنی می کنند. برای تکمیل این کمبود مبادرت به گرفتن زن دوم و سوم و تا جای هم زن چهارم می ورزند .

چنانچه در این باره نظریات یکعه از مردان را می خوانیم :

مردی از جلال آباد :

«پسرم را پسرهای کاکایش همیشه لت می کردند چون پسر برادر نداشت مجبور شدم زن دیگر بگیرم.»

مردی از میدان :

« ما، در قوم دشمن دار هستیم از زن اول و دوم صرف

2 پسر داشتم مجبور شدم زن سوم را بگیرم.»

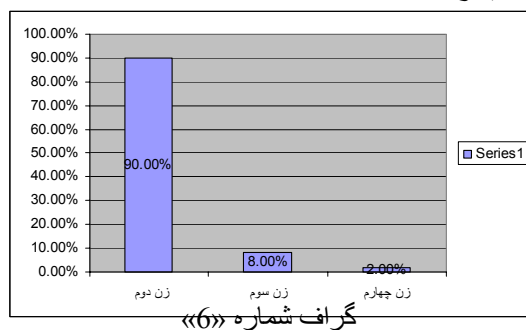
بناً با استناد به نقل قول های فوق؛ میتوان استنباط کرد که در بسیاری نقاط کشور برای مصئون بودن ، داشتن اولاد های مذکر مهم است .

اما در اینجا روی یک نکته باید توجه داشت و آن اینکه در چنین حالات از اولاد صرفاً به حیث وسیله برای انتقام گیری استفاده میشود که خود در مغایرت آشکار با مواد کنوانسیون حقوق طفل قرار دارد .

3. بی اولادی :

بی اولادی یکی از علل و عواملی است، که قانون مدنی کشور ما نیز در ماده 86 خویش به آن تاکید کرده و مردان را مخیر ساخته است که در صورت نداشتن اولاد می

توانند با زن دیگری نیز نکاح کنند. پس در پهلوي سایر عوامل، بي اولادي نیز یکی از عواملی است، که زمینه گرفتن بیش از یک زن را تسهیل می بخشد. از مجموع افرادی که به این منظور مورد سوال قرار گرفتند؛ صرفاً 11.01% آنان به علت نداشتن اولاد به ازدواج مجدد اقدام کرده بودند. اما از این میان صرفاً «1%» آنها قبل از مبادرت ورزیدن به ازدواج دوم به داکتر مراجعه کرده بودند.



4. بي پسري :

6% مصاحبه شوندهگان ما درین تحقیق علت ازدواج مجدد شان را نداشتن پسر وانمود کرده اند. در جامعه سنتی افغانستان چنانچه قبلاً در مبحث مصونیت بیان شد؛

نداشتن فرزند پسر از جمله مسایل غیر قابل تحمل شمرده میشود، ضرب المثل معروف « چراغ کسیکه پسر ندارند خاموش است.» اهمیت داشتن پسر را در خانواده ها نشان میدهد. تبعیض بسیار مشهود و واضح میان پسر و دختر در اکثریت خانواده ها نیز از همین موضوع منشا میگیرد. در حالیکه این موضوع را شریعت اسلام تایید نکرده و داشتن فرزند دختر را رحمت خداوند دانسته است.

در این باره نظر بعضی از مردان را که به همین منظور ازدواج مجدد نموده اند مرور می کنیم :

« من پسر نداشتم و همواره عموزاده هایم مرا طعنه می زدند . . . » «مردی از هرات»

ویا مردی از جوزجان :

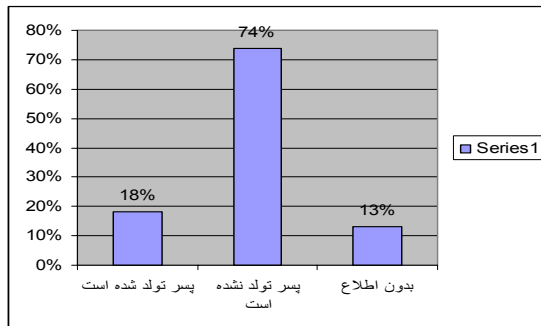
« نداشتم پسر مرا آنقدر رنج میداد که نمیتوانستم آزادانه در شهر گشت و گذار کنم.»

باید اظهار داشت که این عامل دو موضوع عمده را که متأسفانه در کشور ما بسیار مروج است؛ برجسته می‌سازد:

تبعیض میان دختران و پسران: طوریکه بر همگان هویدا است در اکثر خانواده‌ها «اعم از شهری و دهاتی» تبعیض میان دختران و پسران وجود دارد و این تبعیض متأسفانه در تمام شئون زندگی آنها اعم از گرفتن مجالس سرور، نامگذاری، تعلیم و تربیه، صحت، ازدواج و غیره... ریشه کرده است که اساس آن خانواده می‌باشد. به بیان دیگر این تبعیضات از خانواده خود دختر شروع شده و تا ازدواج «خانواده شوهر» و تا مرگ ادامه پیدا می‌کند.

این تبعیضات به حدی رسیده که مردانی که پسر ندارند تصمیم به ازدواج دوم و حتی سوم می‌گیرند.

عدم آگاهی: موضوع دومیکه از این عامل استنباط می‌شود همانا عدم داشتن



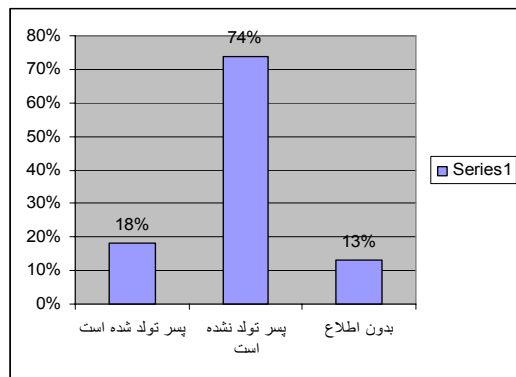
معلومات کافی، پیرامون تعیین جنسیت در تولدات می‌باشد. زیرا مردان نمی‌دانند که تعیین جنس مربوط به خودشان می‌باشد نه مربوط زن. برای وضاحت بیشتر

مصاحبه‌ای با محترمه دکتور فهیمه سکندری انجام دادیم.

خانم سکندری در این باره چنین گفت:

«تمام انسانها 23 جوره کروموزم دارند، که 22 آن کروموزمهای حیاتی یا Somatic و یک جوره آن کروموزم

هاي جنسي مي باشد. كه كروموزوم هاي جنسي در وجود مردها بنام « x ، y » ياد مي شود. در حاليكه اين كروموزوم ها در جنس زنها بنام « x ، x » ياد مي شود. بنأ هنگام تلقيح هر گاه x با x يکجا شود نوزاد دختر و هر گاه x با y يکجا شود نوزاد پسر بوجود مي آيد.»¹³



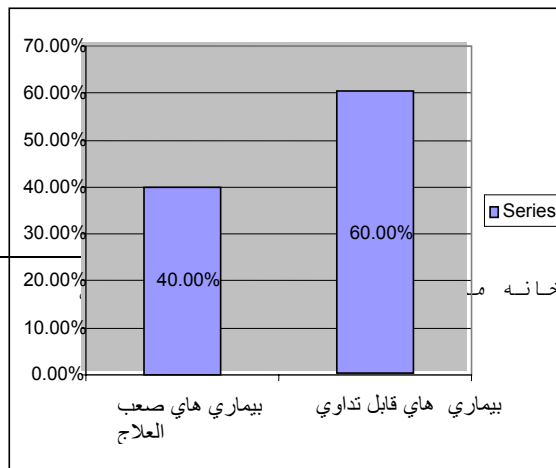
بنأ بعد از مطالعه متون فوق ميتوان استنباط کرد كه تعيين تغيير جنس مربوط مردها مي شود، زيرا تحقيقات نشان داده است، كه فيصدي قابل ملاحظه اي از مردان كه به منظور تولد پسر بار دوم ازدواج كرده اند،

بازهم صاحب پسر نشده اند چنانچه اين موضوع در گراف شماره «8» وضاحت مي يابد .

گراف نشان ميدهد كه اكثريت آنانيكه براي بار دوم به منظور تولد پسر ازدواج كرده اند به مقصد نرسيده اند، كه اين موضوع به خوبي ادعاي دكتور را به اثبات مي رساند.

5. بيماري زن:

بيماري زن نيز يكي از علل و عوامل است كه قانون مدني به آن اشاره کرده است. اما با تاسف تحقيقات نشان



¹³ دكتور فهميه سکندي، معاون شفاخانه ما
14/02/06

داده است که مردان از این حالت سو استفاده کرده و بدون اینکه خانم خویش را تداوی کنند مبادرت به گرفتن زن دوم کرده اند . چنانچه گراف شماره «9» این موضوع را بخوبی ترسیم می کند :

گراف واضح می سازد که بیشترین مردان با وجودیکه خانمهایشان امراض صعب العلاج نداشتند مبادرت به گرفتن زن دوم کرده اند . قابل ذکر است که حد اقل 30% این زنان به اثر عدم دسترسی به تداوی به موقع، جان خود را از دست داده اند .

ازین واضح می گردد که در برابر یک عده از خانمها که به بیماری های اندک مواجه بوده اند بی توجهی صورت گرفته است، در حالیکه اگر هزینه ای را که شوهران شان برای گرفتن خانم دوم مصرف میکنند ، در تداوی خانم اولشان صرف می کردند امکان داشت خانمشان صحتمند شود. برای وضاحت بیشتر نظر یک عده از خانمها را مرور می کنیم :

خانمی از مزار شریف :

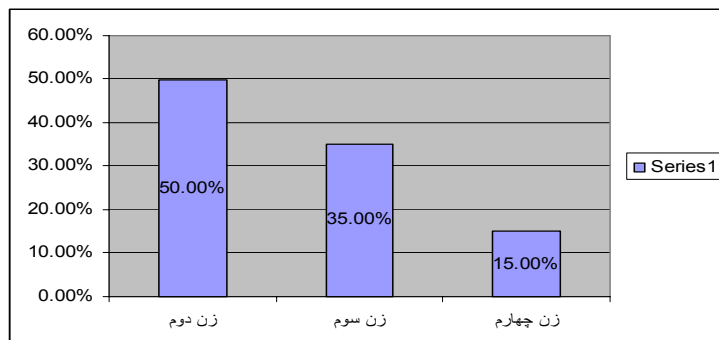
«... من تکلیف شکر داشتم بدون آنکه شوهرم مرا تداوی کند خانمی دیگر گرفت.»

خانمی از ننگرهار :

«... در خانم بخار میبرآمد و شوهرم می توانست با پول کم مرا تداوی کند اما وی زن دیگر گرفت.»

6. اقتصاد قوی :

7.3 فیصد مردان که به ازدواج مجدد مبادرت ورزیده اند ، دلیل آنرا داشتن اقتصاد قوی وانمود کرده اند . این دسته از مرد ها بر اساس نتایج تحقیقات مابه گرفتن زن دومی نیز اکتفا نکرده و زندهای سومی و حتی چهارمی را نیز نکاح کرده اند. که این موضوع در گراف شماره «10» وضاحت یافته است .



گراف

واضح
سازد

مي که فيصدي قابل ملاحظه اي از مردان که اقتصاد قوي دارند مبادرت به گرفتن زن دوم، سوم و حتي چهارم کرده اند. چنانچه در اين مورد يک تعداد از پرسشنامه ها را مرور مي کنيم :

مردي از کابل :

« خدواند به من پول فراوان داده و مي توانم تا چهار زن نکاح کنم و نفقه شانرا بدهم .»

مردي از هرات :

« به لطف خداوند پول زياد دارم و مي توانم محارج تمام زنهایم را با اولادهایشان تأمين کنم .»

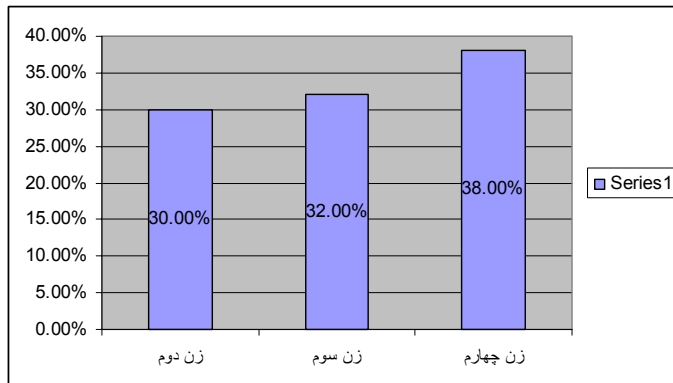
با توجه به آنچه در اين قسمت ذکر گرديد و با توجه به برداشت ما از مفاد ماده «86» قانون مدني مي توان استنباط کرد که شرط داشتن اقتصاد قوي نمي تواند به تنهائي و بدون يکجا شدن با ساير شرايط مندرج در قانون براي ازدواج مجدد کفايت کند . بلکه مرد بايد عذر شرعي و منطقي براي اختيار ازدواج مجدد داشته باشد .

7. قدرت و موقف :

داشتن قدرت و موقف نیز زمينه هاي گرفتن بيش از يک زن را براي مردان تسهيل بخشيده و مردان با استفاده

از قدرت و موقف خویش با بیش از یک زن نکاح کرده اند .

چون اکثراً قوماندانها و یا خانها و اشخاص پرنفوذ قومی بوده اند و سایرین از آنها ترس داشته و این ترس آنها را



مجبور کرده که دختران خویش را به نکاح آنها بدهند . و این عده اکثراً تا 4 زن را بعهده عقد نکاح خویش در آورده اند .

گراف شماره «11» نشان می دهد که واقعاً قابل توجه است و عامل نفوذ و قدرت سایر عوامل را تحت شعاع قرار داده و بیشترین آمار را در داشتن زن چهارمی ، از آن خود ساخته است .

مردی از جوزجان :

«... فعلاً میخوام زن چهارم را نیز نکاح کنم ، زیرا در منطقه مردم از من می ترسند و نمی توانند در جوابم نه بگویند .»

مردی از مزار :

« در ولسوالی، من خان و زمیندار هستم تصمیم دارم زن سوم را نکاح کنم ، زیرا پدرش نزدم دهقان است .»

قابل یاددهانیست که 6.8 % موارد تعدد زوجات دریافت شده در این گزارش به اثر عامل داشتن قدرت و موقف بلند در اجتماع بوده است .

8. عامل مسافرتها:

یکی از عوامل دیگر، که مردان به عنوان دلیل برای ازدواج مجدد عنوان میکنند؛ مسافرت است. آنها استدلال میکنند که به نسبت مسافرت های دوامدار و ضرورت برای داشتن خانه و همسر مبادرت به ازدواج مجدد کرده اند. 92% این دسته از مردان به گرفتن دو زن اکتفا کرده اند .

در این باره قضایای ذیل را مرور میکنیم .

«مردی که باشنده پروان است؛ اما تجارت اش در مزارشریف است و هر بار برای مدت بین دو تا سه ماه در این شهر میماند، با خانمی از شهر مزار شریف ازدواج کرده است .»

مردی از بدخشان نیز در رابطه میگوید :

«... برای تجارت و به دست آوردن پول به کابل می روم و در آنجا زیاد وقت می باشم مجبور شدم یک زن از کابل نیز بگیرم .»

9. عرف و تعامل :

برعلاوه اینکه عرف و عنعنات ناپسند از جمله موضوعاتی است، که در وقوع ازدواج های متعدد خلاف قانون به صورت بسیار عمیق دخیل است ؛ خود عرف نیز

به صورت مستقیم از جمله عوامل ازدواج مجدد به شمار می‌رود. عنعنات ناپسند از قبیل: ازدواج در طفولیت، ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر، بد دادن، بدل و ازدواجهای اجباری نیز در بسیاری حالات تعدد زوجات را گسترش می‌دهد؛ که در بعضی از این حالات حتی اراده مرد نیز دخیل نمی‌باشد.

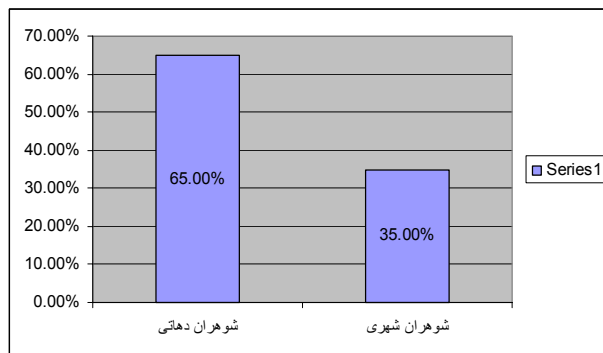
10. موجودیت تفاوت‌ها میان زن و شوهر:

اکثراً تفاوتها میان زن و شوهر، زمینه ازدواجهای بعدی مردان را تسهیل بخشیده است. این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از تحصیل، محل زیست، قوم، ملیت، مذهب و طرز فکر باشد.

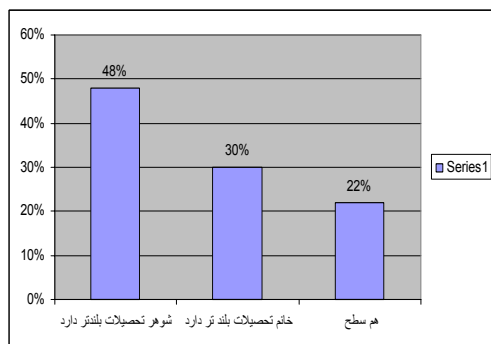
از مجموع تعداد مصاحبه شوندهگان «2.52%» آنها را کسانی تشکیل می‌داد، که بر مبنای یکی از همین تفاوت‌ها مبادرت به گرفتن زن دوم کرده‌اند. که حال برای روشن شدن موضوع هر یک از تفاوتهای فوق را بررسی می‌کنیم:

تفاوتهای منطقی:

تحقیقات ثابت کرده، آن‌عهه زنانیکه خود از شهر و



شوهرانشان از ده هستند و یا اینکه خانها از ده و شوهرانشان از شهر هستند؛ میان شان اختلافات ناشی از عادات بروز کرده و بعضاً شوهرانشان به گرفتن زن دوم



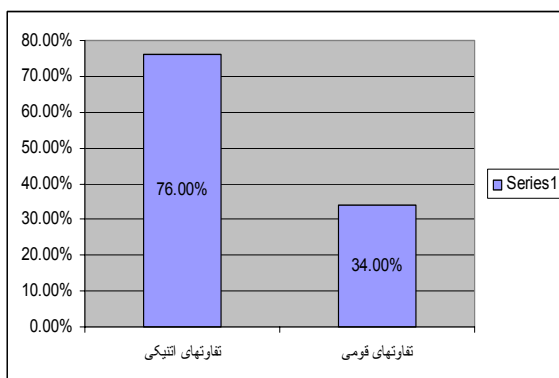
مبادرت کرده‌اند. چنانچه در گراف شماره «12» نشان می‌دهد که 65% از جمله تعداد مردانی که به علت

تفاوت ها دست به این عمل زده اند، مردانی اند که از دهات اند.

تفاوت‌های تحصیلی :

تفاوت در سطح و درجه تحصیل به خصوص در حالاتی که مرد تحصیلات بلندتر از خانم داشته است، بیشتر به چشم می‌خورد. درین رابطه آمار ازدواج مجدد مردانی که تحصیلات بلندتر از خانم هایشان دارند در گراف شماره «13» که 48% را نشان می‌دهد در حالیکه ازدواج مجدد مرد در حالیکه خانمش باسواد بوده به 30% تقلیل یافته است. در حالیکه مساوات در درجه تحصیل زن و مرد این واقعات را از آنهم پایینتر آورده و 22% را نشان می‌دهد.

گراف شماره «14» نشان می‌دهد که آمار آن‌عده شوهران که تحصیلات بلندتر از خانم‌های خویش دارند، در ازدواج با بیش از یک زن بیشتر است در حالیکه آن‌عده که تحصیلات پایین دارند در قدم دوم و آن‌عده که دارای تحصیلات مساوی هستند کمتر مبادرت به این عمل کرده اند.



تفاوت‌های قومی :

تفاوت‌های قومی میان زوجین نیز یکی از علل است، که مردان را متمایل به گرفتن زن دوم می‌کند. زیرا در موجودیت این تفاوت‌ها طرفین از کلتور و عادات متفاوت برخوردار می‌باشند،

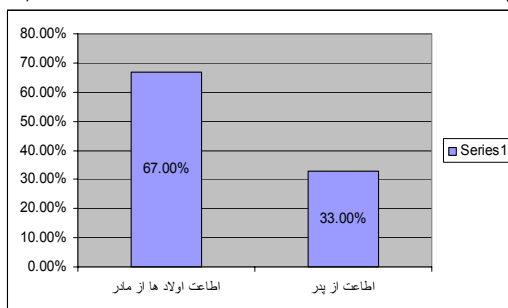
که در نتیجه روند زندگی عادی شان از این ناحیه متأثر شده و باعث شده است که مردان به گرفتن زن دوم اقدام کنند.

بعد از مطالعه گراف مبرهن می شود، که آمار تفاوت‌های اتنیکی نظر به قومی در سطح بلندتری قرار دارد. و زوجین که از یک ملیت نیستند، معمولاً شوهران شان زیاد تر متمایل به گرفتن زن دوم بوده اند. چنانچه مردی درین باره چنین گفت:

«من و خانم از یک قوم نبودیم و خانم به رسم و رواج قومی ما اطلاع نداشت. من مجبور شدم که از قوم خودم یک زن دیگر بگیرم.»

تفاوت‌های مذهبی:

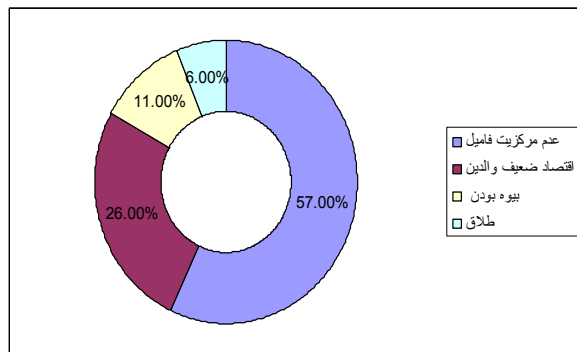
بعضاً اتفاق افتاده مذهب شوهران با خانهایشان فرق کند، که این افتراق زمانی تبدیل به گرفتن زن دوم می شود که اولادهای شان از مذهب مادر خویش پیروی کنند.



گراف شماره «15» واضح می سازد که 67% مردان که فرزندان‌شان از مذهب مادر پیروی کرده اند با زن دیگری ازدواج کرده اند. درحالیکه 33% از آنها با وجودیکه فرزندان شان از مذهب پدری پیروی می کردند؛ مبادرت به این عمل ورزیده اند.

بحث سوم: بررسی علل و عواملی که خانمها را مجبور می سازد تا با مرد متأهل عروسی کنند: چنانچه موضوع عوامل گسترش تعدد زوجات را از جانب مردان مرور کردیم، فراموش نباید کرد که زنان نیز منحنی طرف ازدواج دارای نقش مشخص در انعقاد عقد میباشند. چنانچه ماده «77» قانون مدنی افغانستان یکی از شرایط اساسی برای انعقاد عقد رضایت طرفین را میدانند که در صورت عدم وجود آن عقد باطل شناخته میشود.

از جهت دیگر از آنچه در این گزارش گفته آمدیم و آنچه به حیث معضله کلی در ازدواج ها در افغانستان وجود دارد موضوع اجبار در ازدواج است، که با وجود داشتن ممنوعیت قانونی بازهم به پیمانیه وسیع در جامعه عملی میشود. بناً بحث



عوامل کشاندن زنان به ازدواج با مرد متاهل را در دو محور «الف» در مواردی که رضایت زنان دخیل بوده است و «ب» در مواردی که این رضایت دخیل نبوده است به بررسی میگیریم:

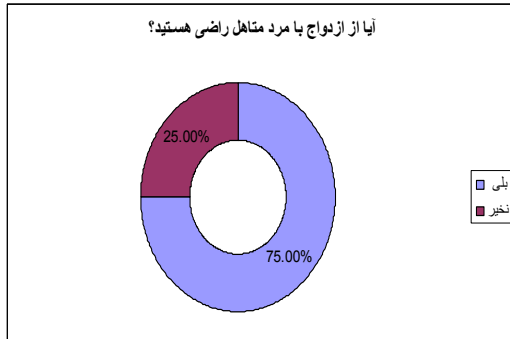
الف: بررسی علل و عواملی که رضایت خانمها در آن دخیل نیست

ازدواج های اجباری که نمونه های مشهود از ندادن نقش به زنی که به حیث خانم دوم ازدواج میکند، میباشد که مثال های بارز آنرا بازهم در وجود عنعنات ناپسند چون: بد، بدل، ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر، ازدواج در طفولیت و امثال آن میبینیم

ب: بررسی علل و عواملی که در جلب رضایت خانمها موثر است :

علاوه بر ازدواجهای اجباری که خانمها مجبور می شوند بدون رضایت، با مردان متاهل تن به ازدواج دهند، بعضی علل و عواملی نیز وجود دارد که آنها را شدیداً آسیب پذیر ساخته و آنها مجبور می شوند ، که به عروسی با متاهلین رضایت نشان دهند . ما این علل و عوامل را که در گراف شماره «32» ترسیم شده است ، در ذیل به بررسی می گیریم .

بعد از مطالعه گراف واضح مي شود ، که بيشترين عامل عدم مرکزيت خانواده بوده و عوامل چي چون مشکلات اقتصادي و بيوه بودن در قدمهاي بعدي قرار دارد در حالیکه عامل طلاق در سطح نازلي قرار دارد .



نداشتن خانواده و يا بي سرپرست بودن در بسياري حالات دختران را در جامعه ما آسيب پذير ميسازد . از آنجايي که ساختار هاي عنعنوي حاکم در کشور، اوضاع نا به سامان امنيتي و

طرز دید اجتماع به دختران فرصت کافي براي زندگي تنها و مجرد را نميدهد و از طرفي هم دختران در بيشتر نقاط کشور ما از

توانايي هاي لازم اقتصادي برخوردار نيستند در نبود مادر و پدر بيشتر به ناتواني مواجه گرديده و بيشتر به حيث بار بر دوش اقارب و بستگاني که اين دختران با آنها به سر ميبرند، شناخته ميشوند و در نتيجه حاضر ميشوند تا با مرد متاهل عروسي کنند .

دخترى از بدخشان که با مرد متاهل ازدواج کرده بود در زمينه، چنين گفت :

« من تا صنف 8 درس خواندم زيرا پدرم و مادرم زنده بودند و آنها آرزو داشتند، که من داکتر شوم ديري نگذشت که مادرم در اثر بيماري فوت کرد و پدرم به من مي گفت، که درس بخوان اما زماني که پدرم هم فوت کرد من مجبور شدم که به خانه ماماي بروم . ماماي گفت که بايد مکتب نروم بلکه بايد اطفال شانرا نگهداري کنم . بنا بر اين ناچار شدم که با مرد زن دار عروسي کنم و به غير از رضایت ديگر چاره نداشتم زيرا بعد

از فوت مادر و پدرم یک لحظه آرامش در خانه مامایم نداشتم . . . »

به همین ترتیب دختری از هرات که با مرد متاهلی که دو زن دارد ، ازدواج کرده است میگوید :

« من تا صنف «6» درس خواندم و با پدر و مادرم زندگی خوشی داشتیم. زمانی که 16 ساله بودم مادرم و پدرم در اثر بیماری هایی که عاید حالشان شده بود ، یکی بعد دیگری از دنیا رفتند من مجبور بودم با خانواده کاکایم زندگی کنم. خانم کاکایم مرا همیشه طعنه میداد و لت و کوب می کرد. می خواستم که خود را بسوزانم که همسایه ما که یک مرد زن دار بود از من خواستگاری کرد و من رضایت نشان دادم، زیرا چاره دیگر نداشتم . . . »

براساس نتایج این گزارش بعضی اوقات فشارها و مشکلات در اثر نبود یکی از والدین نیز باعث شده است که دختران به ازدواج با مرد متاهل آماده شده اند که البته این حالت در نبود مادر و یا پدر متفاوت است. نبود مادر، که در نتیجه پدر مبادرت به ازدواج مجدد کرده است ، فشارهایی از قبیل رویه ناسالم مادر اندر، عدم توجه پدر و محرومیت از مهر پدر باعث ایجاد احساس کمبود در نزد دختران شده و برای گریز از تنهایی و حقارت حاضر به ازدواج با مرد متاهل شده است . اما در عدم وجود پدر و در زمانی که تنها مادر حیات بوده است مشکلاتی دیگری از قبیل مشکلات اقتصادی، بی سرپرستی باعث شده است که دختران برای نجات خود از چنین وضعیت و گاهی هم به خاطر کمک به مادر در تأمین مصارف خانواده به ازدواج با مرد متاهل راضی شده اند. بعضی از این موارد را مرور میکنیم :

خانمی از کابل :

«من دختر 15 ساله بودم که مادرم فوت کرد و پدرم بازن دیگری عروسی کرد. مادر اندرم همواره کارهای ثقیل و شاقه برایم می داد که انجام دهم حتی مجبور بودم تا نصف های شب کار کنم و پدرم از حال من با خبر نبود در این وقت یکی از اقارب مادراندرم که مردی 45 ساله بود و یک زن دیگر هم داشت از من تقاضای ازدواج کرد و من هم مجبور شدم با وی ازدواج کنم.»

خانمی از غزنی:

« هنگامیکه مادرم فوت کرد من 9 مکتب بودم. پدرم زن دیگر گرفت و بمن گفت که مکتب نروم و مجبور بودم تمام کارهای خانه را انجام دهم روزی نبود که از دست پدرم لت و کوب نشوم. زیرا خانمش ویرا بر علیه من تحریک می کرد در این هنگام مردی که 20 سال از من بزرگتر بود از من خواستگاری کرد و من رضایت نشان دادم. . . .»

خانمی از ننگرهار:

«بعد از فوت پدرم ما بار دوش مادرم بودیم و نمیتوانستیم ویرا کمک کنیم. من مکتب را ترک کردم تا کار نمایم اما کار برایم پیدا نمیشد. بنأ مجبور شدم با یک مرد دوکاندار، که دو زن دیگر هم داشت عروسی کنم تا بتوانم مادر، برادران و خواهرانم را کمک کنم. . . .»

خانمی از میدان:

« من 14 سال داشتم و در صنف ششم درس می خواندم که پدرم فوت کرد. ما همراهی خانواده پدر کلانم زندگی می کردیم. کاکایم سن اش کلان بود. کسی برایش زن نمیداد بنابراین مرا بدل زن خود به خسربره خود عروسی کرد. . . .»

عدم آگاهی از تاهل مرد نیز یکی از عوامل دیگر در کسب رضایت دختران برای چنین ازدواج ها به شمار

می‌رود، با اینکه در قانون مدنی افغانستان موضوع آگاهی داشتن خانم اول و دوم از وضعیت و رضایت خانم اول شرط گذاشته شده است «چنانچه ماده 89 قانون مدنی در این باره چنین صراحت دارد:

«شخصیکه در ازدواج با بیش از یک زن مطابق حکم مندرج ماده «86» این قانون متاهل بودن خود را کتمان کند و رضایت و موافقه صریح زنی را که جدیداً به نکاح گرفته است در مورد بدست نیاورده باشد، درینصورت زوجه جدید می‌تواند در صورت عدم رضایت به دوام معاشرت با زوج، مطابق به احکام مندرج ماده «183» براساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق کند.» اما در بسیاری حالات چنین چیزی واقع نشده و دختری که به حیث خانم دوم قرار می‌گیرد از ازدواج قبلی مرد آگاهی ندارد. چنانچه تحقیقات ما نیز این ادعا را به اثبات رسانیده است. زیرا فیصدي قابل ملاحظه ای از مردان «34%» بدون اطلاع دادن به خانم دومی خویش از موجودیت خانم اولی اش؛ اقدام به ازدواج مجدد کرده اند.

برعلاوه مشکلات اقتصادی، خانواده‌ها نیز از عوامل بسیار اساسی در جلب رضایت دختران به ازدواج با مرد متاهل به حساب می‌روند. این عامل بعضاً خانواده‌های بی بضاعت را مجبور می‌سازد تا دختران جوان خویش را به مردان متمول و متاهل نکاح نمایند. برعلاوه عامل اقتصادی در قسمت جلب رضایت دختران جوان مؤثر واقع می‌شود و آنها فکر می‌کنند که با قربانی کردن زندگی‌شان می‌توانند زندگی خواهران و برادرانشان را از فقر و گرسنگی نجات دهند. و یا اینکه حد اقل وزن مصارف خود را از دوش خانواده کم کنند.

در اینجا نیز نظر یک‌کعبه از خانها را مرور می‌کنیم:

خانمی از پروان:

« پدرم پول نداشت که مصرف زندگی ما را بدهد. صرف ما می توانستیم یک وقت نان بخوریم و باقی گرسنه باشیم. از این سبب با مرد پولدار متاهل که تعهد کرده بود همراي پدرم کمک کند، عروسی کردم.»

خانمی از غزنی :

« پدرم پیر شده بود و توان کار را نداشت و برادر من خورد سن بودند من تنها دختر جوان فامیل بودم مجبور شدم که با مرد متاهل عروسی کنم زیرا می خواستم فامیل ام را کمک کنم.»

به همین ترتیب با توجه به اینکه در جامعه سنتی ما مردان در نقش نان آوران خانه بوده و از جانب دیگر زنان از نظر اقتصادی در موقعیتی قرار ندارند که بتوانند مستقلانه عمل کنند؛ بناً بیوه گی آنانرا از نظر اقتصادی بیشتر ضربه پذیر میسازد و برای تامین معیشت خود و اطفال خود به ازدواج با مردان متاهل که در بسیاری اوقات از زمره وابستگان شوهر میباشد، ناگزیر میشوند .
خاطراتی تعدادی از خانم ها را درین مورد مرور میکنیم :

خانمی از هرات :

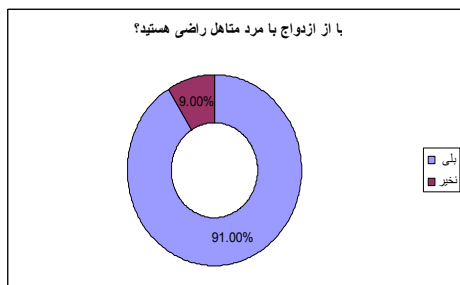
« بعد از مرگ شوهرم سه فرزند داشتم که تمامی شان خوردسن بودند و یکی شان به مکتب می رفت نمی توانستم وی را به مکتب بفرستم ، زیرا پول نداشتم و در عین حال نمی خواستم که بی تعلیم بمانند و حیران آینده شان بودم و کسی در فامیل نبود که مرا کمک کند. بناً مجبور شدم با مرد متاهل عروسی کنم. زیرا وی وعده کرده بود که مخارج زندگی مرا با اطفالم بدهد»

خانمی از کابل :

« بعد از شهادت شوهرم، از فامیل شوهرم کسی نبود که مرا کمک کند و دخترم خورد سن بود. هم چنان ما

درخانه کرایه زندگی میکردیم و نمی توانستم تنها زندگی کنم. علاوه بر آن بی سواد بودم امکانات کارنداشتم بنابراین مجبور شدم که با مرد زن دار عروسی کنم.»

طلاق، نیز از یکی عواملیست که در قسمت جلب رضایت



خانها موثر بوده و به آن اساس خانها ناگذیر می شوند با مرد زن دار عروسی کنند. به بیان دیگر یکعده از خانهای که شوهران شان آنها را طلاق می دهد به منظور رهایی از بلا تکلیفی

مجبور می شوند با مردان متاهل عروسی کنند. چنانچه در گراف شماره «18» ترسیم یافته است در اینجا نیز نظرات یکعده از خانها را به منظور اثبات مدعا مرور می کنیم:

خانمی از کابل:

« بعد از اینکه از شوهرم طلاق گرفتم، مشکلاتی فراراهم خلق شد، زیرا نمی توانستم مخارج فرزندانم را تامین کنم. بناً ناگزیر شدم با مرد زن دار عروسی کنم.»

خانمی از هرات:

« بعد از اینکه شوهرم مرا طلاق داد، ناگزیر شدم با مرد زن دار عروسی کنم، زیرا مردم محل و قوم مرا طعنه می دادند.»

بحث چارم: تجارب کسانی که بیشتر از یک بار ازدواج کرده اند:

به صورت عموم مردانی که به ازدواج برای مرتبه دوم و بیشتر از آن مبادرت ورزیده اند از این عمل خود نادم میباشند؛ زیرا مشکلات فراوانی را برایشان

به وجود آورده است، بر علاوه قسمی که قبلاً نیز تذکر به عمل آمد در تعدادی از این ازدواج ها رضایت مرد نیز دخیل نبوده است و صرفاً این عمل بر مبنای عنعنات و رواج ها صورت گرفته است. در این مورد می‌خواهیم نظریات تعدادی از مردانی را که بیشتر از یکبار ازدواج کرده اند به بررسی بگیریم :

مردی از بدخشان در این باره چنین گفت :
 «من دختری را دوست داشتم و باوی نامزد شده بودم اما برادرم فوت کرد و مجبور شدم با بیوه اش بنا به گفته پدرم وریش سفیدان محل ازدواج کنم باید بگویم که خانم برادرم شاید در حدود 15 سال از من کلان باشد اما من چاره ای جز ازدواج نداشتم.»

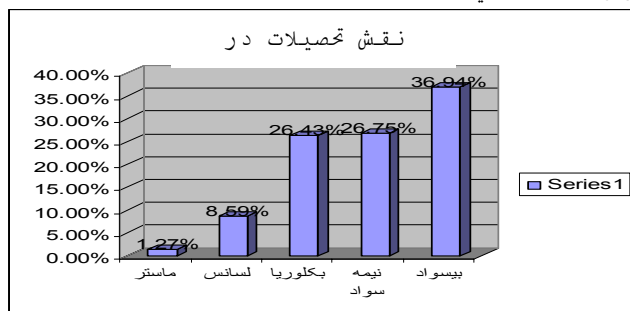
مردی از میدان خاطره خود را با ما چنین شریک ساخت :
 «در طفولیت با دختر کاکایم نامزد شده بودم. اما زمانی که جوان شدم به این وصلت علاقه نداشتم اما پدرم و کاکایم بزور مرا مجبور به ازدواج کردند. و پس از ازدواج باوی تصمیم گرفتم که با دختری که دوست دارم ازدواج کنم»

بحث پنجم: ردیف بندی افرادی که برای بار دوم ازدواج کرده اند:

در این قسمت کوشش گردیده است تا خصوصیات افرادی که بیشتر از یکبار ازدواج کرده اند بررسی شود و یا به عباره دیگر کوشش شده تا دیده شود که کدام مشخصات و خصوصیات یک مرد را مساعد به ازدواج بیشتر از یکبار می‌سازد. این مشخصات دربرگیرنده تحصیلات، اقتصاد، محل بودوباش و موقف اجتماعی می باشد. الف- از نظر تحصیلات:

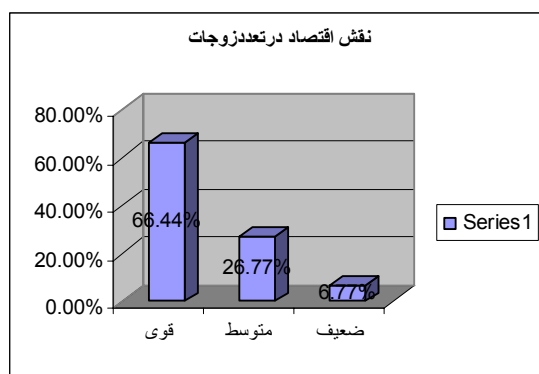
تحصیلات یکی از شاخص های مهم و ارزنده در زندگی بشر می باشد، این عامل تمام شئون زندگی انسانها را تحت شعاع قرار داده و اساس و تهاداب تمدن جهان را نیز تشکیل می دهد و نقش مهمی را در جامعه بازی می کند. زیرا در پرتو علم و دانش است که ؛ افراد از حقوق و وجایب

خود و دیگران با خبر بوده و اشخاص با سواد وبا تحصیل، کمتر به دیگران صدمه می رسانند. نقش تحصیلات در زندگی خصوصی انسانها نیز بارز میباشد چنانچه گراف شماره «19» نشاندهنده نقش تحصیلات در ارتباط به تعدد زوجات می باشد.



گراف به خوبی نشان می دهد آنچه مردانی که دارای تحصیلات عالی هستند چون لسانس و ماستر کمتر تمایل به گرفتن بیش

از یک زن دارند در حالی که آنچه مردانی که دارای تحصیلات ابتدایی و بیسواد هستند بیشتر از تحصیل کرده ها مبادرت به گرفتن بیش از یک زن کرده اند.



ب: از نظر اقتصاد:

اقتصاد قوی، که

اثرات مثبت در اکثر ساحات زندگی انسانها از خود جدا گذاشته است و اما با تاسف در اینجا به خصوص در ازدواج بابیش از یک زن اثر منفی را بالای خانواده وارد میکند. به بیان دیگر آنچه از مردانی که اقتصاد قوی دارند زیادتر تمایل به ازدواج با بیش از یک زن دارند.

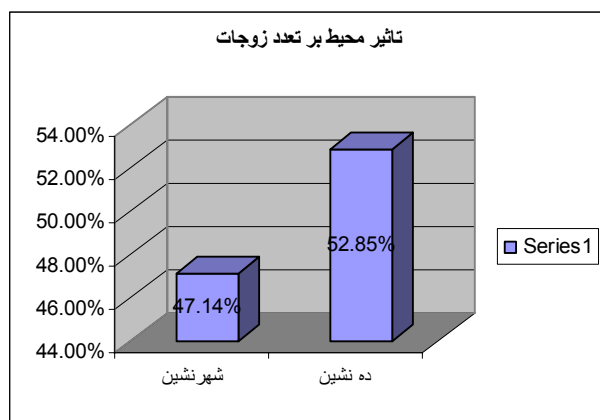
گراف شماره «20» نشان می دهد که بیشترین آمار را در گرفتن بیش از یک زن آنانی دارند که از اقتصاد قوی

برخورد دارند؛ درحاليکه اشخاص که داراي اقتصاد متوسط وضعيف هستند کمتر مبادرت به اين عمل کرده اند.

ج: از نظر محل بود و باش :

محل بود و باش نیز اثرگذار به اين پديده بوده است. زيرامناطق شهري و ده نشين ازنگاه عنعنات، فرهنگ و تسهيلات لازمه اجتماعي ازهمديگر فرق دارند و اين وجه افتراق تاثيرات به خصوص خويش را برباشنده گان آن ازخود بجا گذاشته است وچنانچه گراف شماره «21» به اين موضوع اشاره ميکند

گراف نشان مي دهد که بيشترين امار درنکاح کردن بيش ازیک زن را، مردان دهاتي دارند .



اما چنانچه ميبينيم در بسياري حالات امکان دارد محل بود و باش تاثير مستقيم روي گسترش اين پديده نداشته باشد چون 47% رقم بالايي است و اکثراً ديده شده است که مردان ده

نشين بعد از مهاجرت به شهرها در آرزوي داشتن زن باسواد بيشتر به اين عمل مبادرت ميورزند.

د- از نظر اقتدار و نفوذ :

قدرت و نفوذ نقش مهمي را در خانواده و اجتماع ايفا مي کند و آنانکه از قدرت و اقتدار کافي درمحل برخوردار هستند مي توانند از اين فرصت سواستفاده کنند.

باید یاد آور شد که منشأ قدرت و اقتدار در محل را میتوان در دو عامل زیرین یافت:

1. عامل عدم حاکمیت قانون: تا جائیکه مطالعه شده در اکثری از نقاط کشور ما قانون و مراجع تطبیق کننده آن یا وجود ندارد و یا هم تحت تاثیر قومندانهای محلی می باشد و آنها از این ضعف سؤ استفاده می کنند.

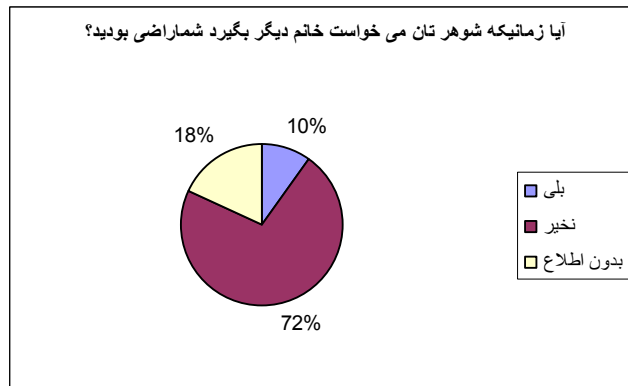
2. عامل اقتدار قومی: در جامعه ما اقوام متعددی وجود دارد و هر قوم از خود مشر و یا خان دارد و تمام تصامیم عمده توسط این اشخاص گرفته می شود. بنا آنها از این اقتدار خود سؤ استفاده کرده و خانواده ها را مجبور می کنند که دختران خویش را برایشان تزویج کنند. چنانچه ما نظرات بعضی از خانها را در این رابطه می خوانیم:

« پدرم در نزد یک تن از قومندان ها کار می کرد یک روز من از مکتب رخصت شده بودم می خواستم پدرم را ببینم که نفر قومندان مذکور مرا دید و به قومندان گفت که مرا از پدرم خواست گاری کند و پدرم را تهدید کرد که اگر دخترات راندهی نه تنها ترا از وظیفه خارج می کنم بلکه پسرنوجوانت را می کشم بنابراین پدرم از ترس رضایت نشان داد و من زن چهارم وی شدم »

خانمی از قندهار:

« ملک قوم ما پسر کاکای پدرم است. وی در قوم نفوذ زیاد دارد و تمام اهالی از وی می ترسند اگر کسی فیصله اش را قبول نکند وی را به سختی مجازات می کند. بنابه این موقعیت اش از پدرم مرا خواستگاری کرد. با وجود که دو زن دیگر هم داشت پدرم مجبور شد مرا نیز برایش بدهد. »

بحث ششم: چرا زنان در برابر ازدواج دوم شوهرانشان خاموش اند؟

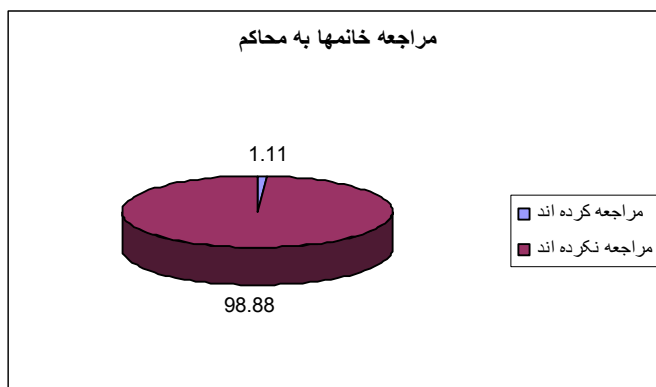


بر اساس نتایج تحقیقات اکثراً خانم ها از ازدواج مجدد شوهران شان رضایت ندارند. به بیان دیگر، شوهران بدون کسب، رضایت خانم اولی تصمیم به گرفتن زن دوم، سوم و چهارم می

گیرند. که این موضوع را در گراف شماره «22» تصویر می کنیم.

گراف نشان میدهد که فیصدي قابل ملاحظه اي از خانمها يعني 72% از ازدواج هاي بعدي شوهرانشان رضایت نداشته اند و بر علاوه «18%» آنها از ازدواج دوم شوهرانشان اطلاع نداشتند. در اینجا دو نکته قابل تعمق است :

اول- با وجود که 72% خانمها از ازدواج شوهرانشان راضي نبوده اند؛ براي احقاق حقوق خویش صرف یکعده کمی از آنها به مراجع عدلي و قضايي و به خصوص به محاکم فاميلي عارض شده اند که در گراف شماره «23» وضاحت می یابد.



گراف واضح می سازد که 98.88% خانمها به محاکم مراجع نکرده اند. در حالیکه صرف 1% آنها به محاکم عارض شده

اندو خواهان عدل و انصاف شده اند. دوم: «18%» خانم ها ادعا کرده اند که آنها حتی از ازدواج دوم شوهران شان اطلاع نداشته اند در حالیکه قانون مدنی افغانستان در ماده 87 به این موضوع چنین اشاره کرده است:

«زنیکه شوهر وي برخلاف حکم ماده 86 این قانون ازدواج کرده باشد می تواند مطابق به احکام مندرج ماده 183 این قانون به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید.»

به اساس این ماده اطلاع خانم اول از ازدواج دوم شوهر را شرط دانسته و رهنمود روشن در زمینه ارائه میکند.

اما در هر دو حالت عده زیادی از خانم ها در برابر این اقدام شوهر خاموش مانده اند که دلایل ذیل در زمینه عدم شکایت موجود میباشد:

1. بیشترین از زنان در افغانستان از حقوق اساسی شان که در قوانین مسجل گردیده است بیخبر اند. زیرا هیچگونه زمینه برای بلند بردن آگاهی زنان در مناطق مختلف کشور از حقوق شان وجود نداشته است.

2. در صورتیکه عده یی از زنان از حقوق شان آگاه هم باشند؛ عدم دسترسی به مراجع عدلی و قضایی و موجودیت بیوکراسی و موانع متعدد دیگر در محاکم زن را در برابر این عمل غیر قانونی شوهر به سکوت وا داشته است.

3. به همین ترتیب در اثر فشار افکار حاکم بر جامعه مراجعه به محاکم برای اکثریت فامیل ها و به خصوص زنان عار و شرم پنداشته میشود و به همین دلیل نیز

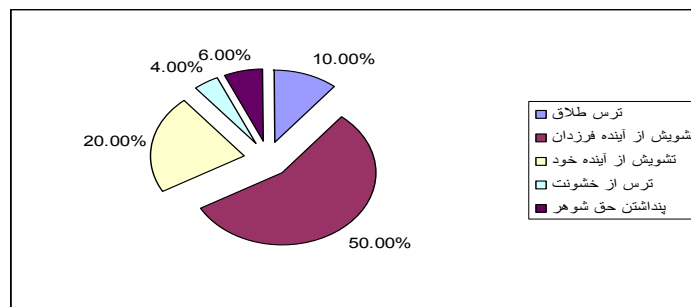
زنان از مراجعه به محاکم جهت احقاق حقوق شان صرف نظر میکنند.

4. ترس از شوهر و فامیل اش در نتیجه موقف درجه دوم زن در فامیل شوهر، ترس از لت و کوب و خشونت نیز یکی از عوامل اساسی در زمینه میباشد.

5. از آنجاییکه قانون مدنی افغانستان راه حل برای خانگی که شوهرش بدون رضایت و اطلاع او به گرفتن خانم دوم مبادرت ورزیده است؛ مطالبه تفریق ذکر کرده اند و در اثر تفریق به دلیل اینکه 1» بر اساس احکام مربوط به حضانت طفل، از طفل خود دور میشود 2» به علت نداشتن استقلال و توانمندی اقتصادی منبع تامین مصارف خود را از دست میدهد 3» بر اثر رواج های ناپسند در جامعه موقف خود را در بین فامیل حتی فامیل پدر و اجتماع ازدست میدهد؛ خانم بیشتر از شوهر متضرر می گردد؛ بناً از رفتن به محکمه صرف نظر کرده و در برابر عمل شوهر خاموشی اختیار می کنند.

6- بر علاوه نداشتن اطمینان به مراجع عدلی و قضایی نبود محاکم خانوادگی و هم قضات زن نیز به حیث یک عامل در سکوت زنان میتواند بررسی شود.

عمده ترین دلایل برای سکوت زنان در برابر ازدواج دوم شوهران را در گراف شماره «24» مطالعه میکنیم:



از مطالعه

بعد

گراف واضح می شود که تشویش از آینده فرزندان بیشترین آمار را داشته؛ در حالیکه تشویش از آینده

خود و ترس از طلاق در قدم دوم و سوم قرار دارد و ترس از خشونت در سطح پایینی قرار دارد. حال در رابطه به هر یک از این عوامل فقط بعضی نقل قول ها را از این دسته خانم ها بیان می‌داریم:

1. ترس از طلاق:

« خانمی از غزنی که «27 سال دارد و دارای «4» فرزند است. شوهرش بعد از داشتن زندگی مشترک برای «6» سال تصمیم گرفت زن دوم بگیرد. این خانم می‌گوید: زن گرفتن شوهرم را تحمل دارم اما طلاق را نی»
 همچنان خانمی از هرات در اینباره گفت:
 « من مدت «7 سال» را با شوهرم یکجا به سر بردم اما بعد از گذشت این مدت شوهرم به علت «رقابت های قومی با پسران کاکاهایش» تصمیم گرفت زن دوم بگیرد و خوب به یاد دارم که وقتی اعتراض کردم برایم گفته بود که اگر شکایت کنی تورا طلاق می‌دهم...»
 2. تشویش از آینده فرزندان:

چنانچه خانمی از کابل چنین گفت:
 « وقتی که شوهرم می‌خواست زن دوم بگیرد من اعتراض کردم اما او گفت اگر جایی شکایت کنی تو را با فرزندان بدون سرنوشت رها می‌کنم.»
 همچنان خانمی از بدخشان نظریات خود را با ما چنین شریک کرد:
 « من نتوانستم در مقابل گرفتن زن دوم شوهرم ایستادگی کنم. زیرا او تهدید کرده بود که شما را تنها می‌گذارم و با خانم دوم خود می‌روم.»

3. تشویش از آینده خود:

خانمی از میدان:

« مدت شش ماه از عروسی ام می‌گذرد اما شوهرم مجبور است با خانم بیوه برادر خود عروسی کند. و برایم گفته که اگر اعتراض کنم مرا به خانه پدرم می‌فرستد.»

خانگی از ننگرها:

« مدت 8 ماه از عروسی ام می گذرد امیدوار نشده ام شوهرم بدون اینکه منتظر بماند که خداوند مهربانی کند. تصمیم بگرفتن زن دوم نموده است. و مرا تهدید کرده که اگر جای شکایت کنم مرا به خانه پدرم می فرستد.»

4. ترس از خشونت:

خانگی از هرات:

« شوهرم تصمیم به گرفتن زن دوم گرفته بود من اعتراض کردم. مرا چنان لت و کوب کرد که تا سه روز نان خورده نمی توانستم و همچنان گفت که اگر جایی اعتراض کنم؛ از این شدید تر مرا لت و کوب خواهد کرد.»
خانگی از جوزجان:

« مدت «9سال» از عروسی ام میگذرد و صاحب «5» طفل هستم؛ قبل از اینکه شوهرم زن دوم بگیرد مرا لت و کوب کرد تا من بترسم و در آینده شکایت نکنم.»
5. پنداشتن حق شوهر:

خانگی از میدان :

« زمانیکه شوهرم می خواست زن دوم بگیرد از من نپرسید و من چیزی نگفتم زیرا مردان میتوانند تا 4 زن را نکاح کنند.»

خانگی از ننگرها:

« حق ندارم در کار مردان مداخله کنم و به آنها بگویم که چرا زن دوم و یا سوم می گیرند.»

بحث هفتم: محاکم با ازدواج متعدد چگونه برخورد میکنند؟

یکی از سه قوه حاکم در جمهوری اسلامی افغانستان قوه قضایه می باشد که امور قضا را به عهده دارد. قوه قضایه در همه کشورهای که اصل تفکیک قوا را پذیرفته اند «از انجمله افغانستان» در شکل قوه مقتدر ظاهر شده است، اسلام برای قضاوت ویژگیهای معنوی قایل شده است و بدین سبب قانون اساسی ج.ا.ا نیز اقتدار

و معنویت رایجاً برای این قوه منظور داشته است. در واقع تمام ارکان قوه مجریه و همه مسولان اجرایی کشور هنگامی در مدار صحیح قانون قرار دارند که دستگاه قضا وظایف خود را دقیقاً بشناسد و به آن عمل کند و قانون اساسی بر اساس ماده «119»، قوه قضایه را مسول تحقق بخشیدن عدالت اجتماعی و پشتیبانی حقوق فردی و اجتماعی دانسته است و حضور این قوه را در درون کشور به منظور پیشگیری از انحرافات امری حیاتی تلقی کرده است.

قانون اساسی بر اساس ماده «120» رسیدگی و حکم در مورد تظلمات، تعدیات و شکایات را در انحصار این قوه قرار داده که اجرای عملی آن مستلزم اتخاذ تدابیر بسیار و داشتن تشکیلات و امکانات وسیع است. قابل تذکر است که قضایای ناشی از تعدد زوجات زمانی می تواند به این محاکم ارجاع گردد که متضرر به این محاکم عارض شود و در این صورت محاکم فوق‌الذکر می توانند به شکل ذیل قضایا را دنبال کنند:

الف: در صورت شکایت زوجه سابق

در این باره محکمه صرف متکی به ماده 87 قانون مدنی که چنین مشعر است حکم می کند.

«زنی که شوهر وی برخلاف حکم ماده 86 این قانون ازدواج نموده باشد می تواند مطابق به احکام مندرج ماده 183 این قانون به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید» به این اساس زمانی زوجه سابق می تواند به محکمه عارض شود که ثابت کند که شوهرش برخلاف ماده 86 این قانون زن دیگری رانکاح کرده است و به این ملحوظ صرف می تواند مطالبه تفریق کند. چنانچه ماده 86 در مورد چنین حکم میکند:

«ازدواج به بیش از یک زن بعد از تحقیق حالات آتی صورت گرفته می تواند:

1. در حالیکه خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد.
 2. در حالیکه شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن، تداوی مناسب را دارا باشد.
 3. در حالیکه مصلحت مشروع مانند عقیم بودن زوجه و یا مصاب بودن وی به امراض صعب العلاج، موجود باشد»
- به بیان دیگر بهترین کاریکه محکمه می تواند برای این خانم انجام دهد گرفتن طلاقش از نزد شوهر می باشد. این ماده دارای یک سلسله نواقصی است که در ذیل برشمرده می شود:
1. برای یک خانم مشکل است که ثبوت کند که شوهرش برخلاف ماده 86 تصمیم به گرفتن زن دوم نموده است. زیرا خانم به مشکل می تواند ثبوت کند که شوهرش نمی تواند عدالت را تامین کند و یا در تامین نفقه قصور دارد.
 2. این ماده برای مرتکب عمل خلاف قانون «شوهر» مویده پیش بینی نکرده است.
 3. یگانه مویده پیش بینی شده در این قانون را ، دادن حق طلاق به شاکي می باشد که آنهم ضرری را متوجه شوهر نمی کند بلکه زن «متضرر» با تطبیق این حکم بازهم متضرر می شود.

ب: شکایت زوجه لاحق

در این باره محکمه صرف متکی به ماده 89 قانون مدنی حکم می کند که چنین مشعر است :

«شخصیکه در ازدواج با بیش از یک زن مطابق حکم مندرج ماده «86» این قانون متاهل بودن خود را کتمان نماید و رضایت و موافقه صریح زنی را که جدیداً به نکاح گرفته است در مورد بدست نیاورده باشد ، درینصورت زوجه جدید می تواند در صورت عدم رضایت به دوام

معاشرت با زوج، مطابق به احکام مندرج ماده «183» براساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید.»

و ماده 183 در مورد چنین حکم میکند: «هرگاه زوجه از معاشرت با زوج ضرری را ادعا کند که دوام معاشرت را در چنین حالت بین زوجین امثال زوجین غیر ممکن گرداند، می تواند از محکمه مطالبه تفریق نماید.»

به این اساس نیز خانم مکلف است که در قدم اول ثابت کند که ازداشتن زن سابق شوهرش اطلاع نداشته است و وثانیاً در صورت عدم رضایت به نزد محکمه رفته و خواهان تفریق به اساس ضرر مطابق به احکام ماده «183» قانون مدنی شود.

این ماده نیز معایب ذیل را در بردارد:

1. ثابت کردن بی اطلاعی ازداشتن زن اول شوهر
2. این ماده نیز برای مرتکب عمل خلاف قانون «شوهر» مویده ندارد.
3. بهترین عملیکه محکمه در برابر متضرریعی زوجه موخر می تواند انجام دهد همانا گرفتن طلاقش از نزد شوهر می باشد که بعد از تطبیق این عمل نیز خود خانم متضرر می شود نه شوهرش.

آیا میتوان تعدد زوجات را محدود و موکول به اجازه محکمه کرد؟

چنانچه گفتیم اصل مشروعیت تعدد زوجات تا چهار زن از قواعد مسلم اسلام است و البته به تجویز این اصل موضوع عدم ممنوعیت آن فواید و منافع اجتماعی نیز مترتب است که در این باره بحث صورت گرفت.

ولی آنچه از آیه سوم سوره نسا فهمیده می شود، این است که اصل در نکاح تک همسری است و استثنأ اجازه داده شده که مرد بتواند تا چهار زن بگیرد و گرفتن بیش از یک زن، مشروط به این است که مرد بتواند بین آنها اجرای عدالت کند. یعنی یکسان، حقوق واجبه آنها را ادا کند. بتواند نفقه همه را بدهد و از لحاظ

اقامت نزد آنها یکسان رفتار کند. یعنی به اصطلاح، قسم را رعایت کند آیه مذکور می فرماید:
ترجمه: پس نکاح کنید کسی را که خوش آید به شما از زنان دو دو و سه سه و چار چار پس اگر ترسیدید، که عدل کرده نمی توانید پس نکاح کنید یک زن را یعنی کنیزی را که مال تان است این نزدیکتر است با آنکه جور نکنید. «سوره نساء آیه 3، تفسیر کابلی»

باید اظهار داشت که قرآن کریم، به همان بیان که ازدواج با چهار زن را مباح نموده، در صورت ترس عدم اجرای عدالت، آن را به یکی محدود کرده است، و منظور از خوف عدم اجرای عدالت، این است که مرد، گمان بر عدم اجرای عدالت داشته باشد یا شک کند که می تواند عدالت را اجرا کند یا خیر؟ بنا بر این کسی میتواند با داشتن همسر، اقدام به ازدواج مجدد کند که اطمینان یا ظن غالب داشته باشد که توانایی اجرای عدالت بین همسران خود را دارد.

بعید نیست که بتوان از این آیه استنباط کرد که اگر کسی خوف عدم اجرای عدالت را داشته باشد و اقدام به ازدواج مجدد کند، ازدواج دوم او باطل است. زیرا در واقع جایز شمردن تعدد زوجات در این آیه منوط بر عدم خوف اجرای عدالت شده و با خوف عدم اجرای عدالت دستور داده شده که به یکی اکتفا نماید.

صاحب تفسیر المنار می گوید:

« از تامل در دو آیه سوره نساء معلوم می شود که اباحه تعدد زوجات در اسلام سخت محدود است و انگار ضرورتی است که اگر کسی به آن نیاز داشته باشد، به شرط اطمینان به اجرای عدالت، جنبه بیرونی آن یعنی همان اجرای عدالت و ائمن بودن از ستم کردن به زن، برایش جایز است.»¹⁴

داکتر یوسف القرضا وی نیز در این خصوص می گوید:

¹⁴ سید محمد رشید رضا، تفسیر المنار، جلد چهارم، تهران: گنج دانش، 1375 ص

« شرطی که در اسلام برای تعدد زوجات وجود دارد این است که مرد مسلمان اطمینان به اجرای عدالت بین همسرانش داشته باشد و کسی که چنین اطمینانی ندارد، گرفتن بیش از یک زن بر او حرام است.»¹⁵

باید اظهار داشت که منظور از اجرای عدالت، جنبه بیرون آن یعنی همان اجرای عدالت در نفقه قسم و حقوق واجبه است و گرنه تساوی در تمایل قلبی و محبت باطن، امری است که امکان پذیر نیست و خواسته نشده است.

عدالت از مفاهیمی است که انسان از آغاز تمدن خود می شناخته و برای استقرار آن کوشیده است: افلاطون در کتاب جمهوری که به تفصیل از عدالت سخن می گوید. به نظر او عدالت اجتماعی در صورتی برقرار می شود که « هر کس به کاری دست زند که شایستگی و استعداد آن را دارد. و از مداخله در کار دیگران پرهیز کند»¹ پس، اگر تاجری به وظیفه نظام بپردازد و یا عسکری حکومت را به دست گیرد، نظم که لازم پایداری و سعادت اجتماعی است به هم می ریزد و ظلم جانسپین عدل می شود.

ارسطو از نظر دیگری به عدالت می نگرد. در نظر او عدالت دارای دو معنی خاص و عام است:

عدالت به معنی عام شامل تمام فضیلتها است. زیرا هر کس به کار ناشایسته دست زند ستم کرده است. سعادت واقعی از آن کسی است که با فضیلت باشد و از دستورهای عقل اطاعت کند. بدین ترتیب، او هم مانند استاد خود حکومت عقل را فضیلت می داند. و پیروان حقوق فطری هم این سخن را به زبانها و شیوه های گوناگون تکرار و تأیید کرده اند.

پاره ای از نویسندگان عدالت را نظامی دانسته اند که برتری منافع قابل احترام تر را تأمین کند. مقصود این است که، نظم اجتماعی برمبنای زور و قدرت قرار نگیرد و بجای منافع قوی تر موقع به منافع قابل احترام تر داده شود.¹

قابل تذکر است که همه این تعاریف ها به جای خود درست است. زیرا، اگر در اجتماع هر چیز به جای خود قرار گیرد، یا به هر کس آنچه سزاوار است داده شود و رعایت گردد، و یا از منافع حمایت شود که بیشتر قابل احترام است، ظلم و فساد می پوسد در این بهشت برین تنها عدل حکومت می کند. ولی، دشواری در این است که، هر کس در اجتماع چه جایی دارد و چه چیز را سزاوار است و منافع قابل احترام تر کدام است؟ در واقع عدالت به اموری تعریف شده که خود بر اجمال آن افزوده

چنانچه خداوند «ج» در آیات دیگری از سوره نساء چنین اشاره فرموده اند که ترجمه اش این است. «و هرگز نمیتوانید که عدالت کنید میان زنان و اگر چه در آن حرص کنید» پس میل مکنید به تمام میل پس میگذارید آن زن را مانند معلقه.¹⁶

این آیه واقعاً به طور واضحتر و مشخصتر روی موضوع تمایلات و علاقه درونی اشاره کرده ، اما باز هم تذکر داده است که نباید آنها را بلا تکلیف بگذارید. یعنی باید نفقه و تمام ضروریات شانرا برآورده سازید.

در باره اینکه چه کسی باید عدالت را اجرا نماید و آیا تعدد زوجات منوط به حکم محکمه است یا خیر باید گفت که از آیه «... فان خفتم الا تعدلوا فواحدة...» میتوان دو نوع استنباط کرد:

1) اگر این امر را موضوع شخصی بدانیم. جای برای دخالت حکومت و محکمه باقی نمی ماند. و این امرشخصی است، مرد اگر خود اطمینان داشت که قادر به اجرای عدالت است، میتواند همسر جدید اختیار کند و اگر چنین اطمینانی نداشت، شرعاً حق ندارد در پی ازدواج مجدد برآید. و به این اساس وجدان مرد جای مجری عدالت را می گیرد. و تصمیم بر اجرا یا اهمال این عمل می گیرد. و صرف زمانی جای برای مداخله دولت ایجاد می شود که خانم اولی وی به دولت شکایت کند.

2) وقتی مشروعیت تعدد زوجات موکول به اجرای عدالت شده و عدم اجرای عدالت در خانواده بازتاب اجتماعی پیدا می کند که حکومت نمی تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد، به خصوص وقتی آثار و علایم تخلف مردان از رعایت احکام شرعی و قانون مدنی کشور ما مشهود و نمایان باشد، حکومت می تواند مقرر کند که باید اطمینان از امکان اجرای عدالت در حد معمول به وسیله محکمه احراز شود تا مرد مجاز به انتخاب همسر جدید باشد. هر کس از این امر تخلف کند یعنی

¹⁶ آیه 129، سوره النساء جلد اول، تفسیر کابلی

بدون مراجعه به محکمه و اخذ اجازه از آن مراجع مبادرت به ازدواج مجدد کند. و از احکام شرعی و قانون مدنی سرپیچی کند باید مجازات شود.¹⁷ در مصاحبه با یک تن از قضات در رابطه به نقش محاکم در رابطه به قضایای تعدد زوجات چنین میخوانیم: «... محاکم در رابطه به ازدواج مجدد مطابق حکم مواد 86، 87، 88، و 89 قانون مدنی اجراءات می نمایند. و هرگاه شوهر بخواهد بدون عذر شرعی و قانونی برای بار دوم، سوم و چهارم ازدواج نماید؛ زوجه می تواند به محکمه اقامه دعوی نموده و محکمه در حدود ماده 183 قانون مدنی به سبب ضرر عاید شده حکم به تفریق می کند»¹⁷

بنابراین از فحوای مصاحبه معلوم می شود که محاکم در تقلیل این عمل نقش ندارد زیرا شخصی که به احکام شرعی و قعی نگذارد و قانون رانیز زیر پا گذارد مجازات نمی شود و یگانه جزای که محکمه به وی می دهد عبارت از تفریق خانم اولی اش می باشد که این امر نیز به شوهر کمک می کند نه به خانم.

شرح قصه ها

به منظور اینکه به صورت عینی بتوانیم اثرات تعدد زوجات را روی زندگی خانواده ها بررسی کنیم؛ این قسمت گزارش را اختصاص دادیم به شرح قصه ها و تجارب کسانی که به شکلی از اشکال زندگی شان با تعدد زوجات ارتباط دارد:

- تجربه یک زن به حیث همسر دوم:

« زمانی که پدرم و مادرم زنده بود. فکر می کردم در بهشتم. اما بعد از فوت پدرم، کاکای جوانم مادرم را به خود نکاح می کرد و زندگی من کمی خراب شد. اما بعد از اینکه کاکایم خواست خانمی دیگری به دل خود

* باید اظهار داشت که مداخله در این امر به معنی از بین بردن مشروعیت تعدد زوجات نیست بلکه نظارت از بی عدالتی و ظلم ایست که از طرف بعضی مردان بعنوان تعدد زوجات بالای زنان اجرا می شود.

¹⁷ - قضاوت وال هما علیزوی، ریس محکمه فامیلی، مصاحبه مورخ 2005/9/18

بگیرد. چون پول نداشت مرا به پدر آن دختر داد و ازدواج بدلی کرد. باور کنید که از وقتی من با مرد متاهل ازدواج نموده ام زیاد تغیر کرده ام و بیمار شده ام. نمیدانم چی کنم...»
- تجربه یک زن به حیث همسر اول:

« در اوایل زندگی خوش بودم شوهرم مرا و اولادهایم را دوست داشت. اما بعد از اینکه پسر کاکایش که با وی رقابت داشت. تصمیم به گرفتن زن دوم نمود و شوهرم نیز همین کار را کرد. از آن به بعد زندگی ما خراب شد. بین ما جاروجنجال و کشمکش های فامیلی زیاد شد. شوهرم حالا هفته یک بار و یا حد اکثر دوبار به خانه ما می آید به فرزندانم توجه نمی کند. زمانیکه به چیزی ضرورت پیدا کنیم، مجبوریم باربار به وی تماس بگیریم تا به هزار طعنه و زحمت برای ما بخرد.»

- تجربه یک مرد با بیشتر از یک همسر:

« من تا نو عروسی کرده بودم زندگی خوشی داشتم و هیچ مشکلی نداشتم که متأسفانه برادرم فوت نمود و من مجبور شدم که خانمش را که از من کرده 10 سال بزرگتر است نکاح نمایم. حالا زندگی ام بسیار خراب است. من نمی خواهم همراه خانم برادرم که فعلاً زن من هم شده است زندگی کنم. زیرا به وی قبلاً احترام زیاد داشتم و من حیث مادر به وی می نگریستم. خانم اولم را که بسیار دوست داشتم هم با من سرسازش ندارد و می گوید چرا عروسی کردی ...»
- خاطرات فرزندان خانواده های با ازدواج متعدد:

« من پدرم را دوست داشتم می خواستم ویرا ببینم و می خواستم مرا دوست داشته باشد اما وی زن دیگر گرفت و مرا و مادرم را فراموش کرد من منتظر میمانم که چه وقت پدرم می آید و مرا به آغوش می گیرد اما

وي زود زود نمي آید. براي من اسباب بازي نمي خرد
اما براي فرزندان ديگر خود مي خرد. حالا مثل سابق
دوست اش ندارم.»

بحث نهم: بررسی تعدد زوجات از نگاه قوانین و اجراءات محاکم

1-4. تعدد زوجات در قانون مدني افغانستان و برخي از کشور هاي اسلامي:

کشورهاي اسلامي در باره تعدد زوجات يا بيش از يك
زن داشتن موضع گيري هاي مختلف داشته اند كه اينكه در
بخش نخست موقف قانون مدني افغانستان را به بررسی
گرفته و در قدم بعدي روي قوانين برخي از کشور هاي
اسلامي مکت خواهيم کرد.

الف: تعدد زوجات در قانون مدني 1355 افغانستان:

قانون مدني نافذ، 1355 کشور ما در ماده 86 خود در
این رابطه تماس گرفته و چنین مشعر است:
« ازدواج به بيش از يك زن بعد از تحقيق حالات آتي
صورت گرفته مي تواند»

1. در حالیکه خوف عدم عدالت بين زوجات موجود
نباشد.
2. در حالیکه شخص کفایت مالي براي تامین نفقه
زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن، تداوي مناسب
را دارا باشد.
3. در حالیکه مصلحت مشروع مانند عقیم بودن زوجه
و یا مصاب بودن وي به امراض صعب العلاج، موجود
باشد»¹⁸

بر اساس این ماده مردان میتوانند با بيش از يك زن
ازدواج کنند اما در تمام حالات از این حق نمیتوانند
مستفید شوند زیرا این ماده استیفا از این حق را
محدود ساخته است و سه شاخص عمده برایش داده است.
تا هر کس به هر عنوان نتواند با بيش از يك زن

¹⁸ قانون مدني، کابل: وزارت عدليه، 1355، م 86

ازدواج نماید. اما برای فهم بیشتر موضوع و اینکه آیا یکی از مولفه های فوق به حیث شرط پنداشته می شود. و یا ائتلاف سه شرط جمعاً باید موجود باشد تا بدان وسیله به مردان حق ازدواج با بیش از یک زن را بدهد. مصاحبه ای با محترم «حسین خاوری» انجام دادیم: آقای خاوری در اینباره چنین ابراز نظر کرد. «موجودیت یک شرط در تحقق تعدد زوجات، کفایت نمی کند: بلکه سه شرط مندرج در ماده 86 برای استیفا از

در بین کشورهای اسلامی صرف کشور تونس تعدد زوجات را ممنوع و آن را جرم تلقی می نماید. و فق ماده ۱۰۰ قانون احوال شخصیه ازدواج مجدد مجازات یک سال حبس و هزار فرانک جریمه یا یکی از آن دورا دارد. و مطابق ماده ۱۰۱ همان قانون، ازدواج دوم که بدون انحلال ازدواج اول صورت می گیرد، باطل است.¹⁹ قانون احوال شخصیه سوریه تعدد زوجات را مجاز می داند ولی به قاضی اجازه داده است که اگر تشخیص داد مرد قادر به دادن نفقه به بیش از یک زن نیست، به او اجازه ازدواج مجدد ندهد. در عین حال در مقدمه قانون مذکور که وضع چنین ماده ای را توصیه می کند. تصریح شده که اگر چنین ازدواجی واقع شد، به هر حال حکم بر صحت آن می شود و باطل نیست.¹⁹ اما در ایران کسی که برای بار دوم ازدواج می نماید با وجود قانون حمایت خانواده ازدواج دوم وی باطل نیست بلکه صرفاً مجازات جزایی دارد.¹⁹ قانون خانواده الجزایر نیز تعدد زوجات را در مورد موازین اسلامی به شرط وجود وجه شرعی و شرط اجرای

¹⁹ این حق ضروری پنداشته می شود.»

بخش چهارم

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری:

تعدد زوجات با وجودیکه یکی از ضروریات اجتماع محسوب می شود و دین اسلام شرایط و حدود خاص را برای آن‌عده از مردان که می خواهند با بیش از یک زن نکاح کنند؛ وضع کرده است. اما با تأسف در کشور ما، شوهران از این حدود و صغور معینه خارج شده و بدون در نظر داشت شرایط معینه مبادرت به ازدواج با بیش از یک زن کرده اند. که در نتیجه این عمل به یکنوع آسیب اجتماعی مبدل شده است. تحقیقات انجام شده دال بر اثبات این مدعاست. بآنهم این تحقیق منتج به نتایج گردیده است که در ذیل احصا می گردد.

الف: از نگاه کرنولوژیک:

1. قبل از ظهور اسلام تعدد زوجات بدون قید شرط موجود بود.
2. ادیان سماوی قبل از اسلام صرف ازدواج یک زن با چند مرد را ممنوع قرار داده بود.
3. دین اسلام اصلاحات ذیل را به این امر وارد کرد. تعداد آنرا محدود ساخت؛ شرایط و حدود بر آن وضع کرد.

ب: از نگاه عملکرد قضا و قوانین:

1. مواد که در قانون مدنی کشور ما گنجانیده شده است جوابگویی حل این مشکل نمی باشد.
2. محاکم فامیلی صرف در سطح شهر کابل وجود داشته، و محاکم که در ولایات این قضایا را تحت پوشش قرار می دهند محاکم شهری می باشند.

ج: از نگاه یافته های تحقیق:

بیشتر مردم کشور ما تعدد زوجات را در شرایط فعلی کشور نا ممکن می دانند.

1. آنانکه با بیش از یک زن ازدواج کرده اند، از نگاه تحصیلات در سطح پائین، از نگاه اقتصاد در سطح قوی، و از نگاه موقف با نفوذ می باشند.
2. معمولاً نوعیت ازدواج با بیش از یک زن به اشکال؛ بد دادن، بدل، ازدواج در طفولیت، ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر، ازدواج اجباری و رضایت طرفین صورت گرفته است.
3. عواملیکه مردان بر اساس آن با بیش از یک زن ازدواج می کنند دربرگیرنده رقابت های قومی، احساس نا امنی، بی اولادی، بی پسری، بیماری خانم، اقتصاد قوی، قدرت و موقف، مسافرتها، عرف و تعامل و موجودیت تفاوتها میان زوجین می باشد.
4. علل و عواملیکه خانمها را مجبور می سازد تا با مرد زن دار عروسی کنند در ذیل نام گرفته می شود.

الف: عواملیکه رضایت در آن شرط نیست

1. بد دادن
 2. بدل کردن
 3. ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر
 4. ازدواج در طفولیت
- ب: عواملیکه در جلب رضایت خانمها موثر است.

1. عدم مرکزیت خانوادگی
2. اقتصاد ضعیف والدین
3. بیوه بودن
4. طلاق

6. دلایلی که خانمها در مقابل ازدواج مجدد شوهرانشان اعتراض نمی کنند قرار ذیل است:

- الف: ترس از طلاق
- ب: تشویش از آینده خود
- ج: تشویش از آینده فرزندان
- د: ترس از خشونت
- ه: پنداشتن حق شوهر.

بنابر این بعد از مطالعه گزارش و ملاحظه نتایج آن میتوان پیشنهاداتی ذیل را به مراجع ذیربط آن ارائه کرد.

پیشنهادات:

1. از آنجائیکه حدود استفاده از هر حق توسط قانون تنظیم می گردد لازم است تا در عرصه استفاده از حق تعدد زوجات و با توجه به یافته های این راپور بخش مربوط به احوال شخصیه قانون مدنی افغانستان تعدیل گردد. بدین منظور موارد ذیل پیشنهاد می گردد:

- الف:** ثبت نکاح و طلاق اجباری گردد.
- ب:** مجوز اختیار خانم دوم برای شوهر از طرف محکمه بعد از تثبیت عذر معقول شوهر تفویض گردد.
- ج:** در مواردی که از ازدواج دوم شوهر خانم اول یا دوم متضرر می گردد بر علاوه داشتن حق تفریق برای خانم سایر تضمینات برای جبران خساره مادی و معنوی در نظر گرفته شود.
- د:** نکاحنامه حاوی شرایطی باشد که ازدواج دوم و بیشتر از آن را در حالات غیر موجه ناممکن گرداند.

2. دسترسی به عدالت زمانی میسر است که ارگان های تعمیل کننده عدالت برای مردم قابل دسترسی باشند؛ بناً تأسیس محاکم فامیلی در سطح ولایات و ولسوالی های کشور برای رسیدگی به قضایای مثل تعدد زوجات امر ضروری تلقی می گردد.

3. علما و روحانیون کشور با توجه با رسالت عظیمی که در جهت بلند بردن دانش اسلامی و تفهیم وجایب اسلامی مسلمانان دارند؛ فلسفه اسلامی تعدد زوجات را به مردم گوشزد نمایند و آنها را از اختیار نمودن زوجه های متعدد بدون داشتن عذر معقول باز دارند.

4. زنان به مثابه قربانیان اصلی تعدد زوجات باید بیشتر از همه خود را از حقوق شرعی و بشری خویش در رابطه به مسایل مربوط به حقوق فامیل و به خصوص تعدد زوجات آگاه سازند. و با استفاده از این آگاهی را ه را بروی ازدواج های متعدد غیر موجه همسران شان ببندند.

5. تدویر سمینار ها، گردهمایی ها و نشست ها پیرامون حقوق اسلامی و بشری زنان در خانواده و اجتماع، حقوق و وجایب بالمقابل مرد و زن در چوکات خانواده و در اجتماع بی گمان در رشد آگاهی جامعه و خانواده ها موثر بوده و تا حدی زیاد می توانند جلو خشونت ها و نا برابری ها منجمله ازدواج های متعدد غیر موجه را سد نمایند. بناً لازمست تا در عرصه گسترش آگاهی در امور فوق الذکر کوشش بیشتر از طرف دولت، رسانه های گروهی، حلقات مذهبی و مجامع بین المللی صورت گیرد.

6. رشد ظرفیت ها و توانمندی اقتصادی برای زنان به حیث یکی از راه های عمده مبارزه با خشونت و نابرابری شناخته شده است. این توانمندی همچنان به زنان کمک خواهد کرد تا در برابر ازدواج مجدد شوهران شان که بدون عذر موجه صورت می گیرد ایستادگی نمایند. بناً لازم است تا زمینه های رشد ظرفیت و توانمندی اقتصادی زنان به تلاش خودشان و به همکاری دولت و سایر نهاد های مسوول جستجو و برنامه های مشخص در زمینه عملی گردد.

7. اطفال در خانواده های که مرد فامیل به ازدواج های متعدد متوصل می گردد از جمله آسیب پذیر ترین گروپ ها به شمار میروند. اثرات روانی ناشی از تبعیض و بی عدالتی بین فرزندان زوجه ها باعث ایجاد

عقده ها و مشکلات بعدی ناشی از این عقده ها می گردد. جا دارد تحقیق مشخص روی اثرات روانی تعدد زوجات پدر بالای اطفال صورت گیرد تا ابعاد مختلف این گونه اثرات واضح تر گردد.

ضمایم

ضمیمه شماره «1»

فهرست منابع ماخذ:

1. قانون مدني، کابل، وزارت عدليه، 1355
2. سنوس، محمد طاهر، مجله احوال شخصيه، چاپ سوم، 1958
3. کاتوزيان، داکتر ناصر، حقوق خانواده، جلد اول، تهران: قوس 1376
4. مهرپور، داکتر حسين، حقوق زن: انتشارات اطلاعات، 1379
5. ابراهيم، احمد، حقوق خانواده در مالزي و سنگاپور. تهران: انتشارات دانشگاه 1378
6. قرآن کریم «تفسیر کابلي-جلد اول»
7. القر ضاوي، داکتر يونس، الحلال و ولرام في اسلام، تهران: انتشارات سازمان تبليغات اسلامي.
8. ازدواج هاي قبل از وقت. « کابل: کو» ب ت
9. گزارش کنفرانس تائير عنعنات بالاي زنان افغان، « کابل: نهاد تحقيقاتي حقوق زنان و اطفال، 1383»
10. بد مسکن درد آور، « کابل: نهاد تحقيقاتي حقوق زنان و اطفال، 1383»

ضمیمه شماره «2»

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی تعدد زوجات
سوالنامه برای
افراد عام

پرسشنامه

آدرس مصاحبه شونده: _____
شماره « 1 » _____
ولایت مصاحبه شونده: _____
مصاحبه کننده: _____
ولسوالي / شهر: _____
وقت مصاحبه: _____
ناحیه: _____

1. چه برداشتی از تعدد زوجات دارید؟

a. آیا بیش از یک زن داشتن در جامعه ما امر حتمی است؟
 بلی به کدام دلیل

نخیر به کدام دلیل

b. به نظر شما کدام نوع زندگی بهتر است.

- یک زن و یک مرد- یک شوهر و چند زن

2. داشتن زوجات متعدد در شرایط کنونی جامعه ما امکان پذیر است!

3	2	1	4
نمیدانم	موافق	کاملاً موافق	کاملاً موافق
	کاملاً مخالف	مخالف	مخالف

3. براي حل جلوگیری از تعدد زوجات چه پیشنهادی را ارائه می نمائید؟

4. آیا فعلاً مردی را سراغ دارید که مساوات و عدالت را به گونه واقعی آن بین همسران خود رعایت کرده باشد؟

----- بله: شرح دهید

----- نه: شرح دهید

این جانب _____ تصدیق مینمایم که معلومات تهیه شده در این فورم واقعیت بوده و از حقیقت آن مسوول میباشم.

با احترام

نهاد تحقيقاتي حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقيقاتي تعدد زوجات
سوالنامه براي وابستگان فاميلها

پرسشنامه شماره « 2 »

آدرس مصاحبه کننده :

تاريخ مصاحبه :

ولايت مصاحبه کننده :

مصاحبه کننده :

ولسوالي / شهر :

وقت مصاحبه :

ناحيه :

1. آيا در فاميل شما كسي بيشتر از يك بار ازدواج كرده است؟

خیر

بلي

الف: چي قرابت با او داريد؟

ب: چند بار ازدواج كرده است؟

2. چه عاملي در ازدواج مجدد آنها كمك نموده است؟

3. نوعيت ازدواج آنها چگونه بوده است؟

1. بد 2. بد 3. رضايت طرفين
4. اقارب شوهر ازدواج خاتم بيوه با

5. ازدواج اجباري 6. ازدواج از
7. و يا طفوليت

4. لطفاً يكي از تجارب و خاطره هاي خويش را در باره زندگي همين اقارب خويش كه بيش از يك بار عروسي نموده اند بيان نماييد.

5. چه پيشنهادي را براي آنانكه ميخواهند زن دوم و يا بيشتر از آن را بگيرند ارائه مي نماييد.

6. مشکلاتي که در فامیل بعد از ازدواج مجدد خلق شد چي بود؟

این جانب _____ تصدیق مینمایم که معلومات تهیه شده در این فورم واقعیت بوده و از حقیقت آن مسوول میباشم. با احترام:

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی تعدد زوجات
سوالنامه برای
مردها

پرسشنامه شماره «3»

آدرس مصاحبه کننده:

تاریخ مصاحبه:

ولایت مصاحبه کننده:

مصاحبه کننده:

ولسوالي / شهر:

وقت مصاحبه:

ناحیه:

1. چند سال دارید؟

A. خانم اول تان چند سال دارد؟

B. چند بار ازدواج کرده اید؟

C. چند خانم تان حیات است؟

2. وظیفه تان چیست؟

A. در منطقه چه موقف دارید؟

3. تحصیلات تان تا کدام حد است؟

نیمه سواد

بکلوری

ماستر و یا بالاتر از آن

بیسواد

لسانس

4. فعلاً شما چند زن دارید؟

□ 2. □ 3. □ 4.

5. وضع اقتصادی فامیل تان

چطور است؟

الف: قوي

ب: متوسط

ج: ضعيف

6. لطفاً عامل را که شما را مجبور به ازدواج دوم نمود

بیان نمائید؟

7. لطفاً بطور مختصر تاریخچه زندگی خویش را شرح دهید؟

8. محل بود و باش شما و خانم اول تان قبل از عروسی در کجا بود؟
 زوجین شهر ده
 خانم
 شوهر

9. از نگاه اقتصادی فامیل شما و فامیل خانم اول تان در چي سطح قرار داشت؟

الف: هم سطح
 ب: شوهر اقتصاد قوي داشت.
 ج: خانم اقتصاد قوي داشت.
 10. شما و خانم اول تان از نگاه تحصیلات در کدام سطح قرار دارید؟
 الف: هم سطح

ب: شوهر تحصیلات بلند تر دارد.
 ج: خانم تحصیلات بلند تر دارد.
 11. شما و خانم اول تان در یک مذهب هستید؟
 بلي
 نخير

12. شما و خانم اول تان از یک قوم هستید؟

بلي
 نخير
 13. با خانم اولي تان در کدام موارد هم فکر بودید؟

طرز صحبت بلي نخير
 نمودن
 آرایش کردن
 کـرکـتـر و
 عادت
 تربیه
 فرزندان
 دید و
 بازدید از

اقارب
مصارف خانه
طرز لباس
پوشیدن

14. آیا از خانم اولی تان اولاد دارید؟

بلی

تعداد پسر

تعداد دختر

نخی

15. آیا خانم اول تان مریض است؟

نخی

بلی

نوعیت مریضی اش چی می باشد؟ . . .

A. از خانم دومی تان چند فرزند دارید؟

بلی

تعداد دختر

تعداد پسر

B. نخی.

C. آیا خودتان مریض هستید،

16. موضع گیری خانم اولی تان زمانیکه شما زن دوم گرفتید

چگونه بود؟

اعتراض کرد.

به محکمه شکایت نمود.

رضایت داشت.

به کدام دلیل؟

 عکس العمل نشان نداد.

به کدام دلیل؟

17. در قوم تان چند نفر بیش از یک زن دارند؟

18. آیا شما به منظور کار به ولایات کشور مسافرت می‌نمایید؟

خیر

بلی

- در سال چند بار
 - چي مدت را در هر سفر سپري مي نمائيد
 - در کجا بود و باش می‌کنید.
 - با کي ها بود و باش می‌کنید.
19. چه پیشنهادی برای آنانکه می‌خواهند بیش از یک زن بگیرند دارید؟

این جانب _____ تصدیق مینمایم که معلومات تهیه شده در این فورم واقعیت بوده و از حقیقت آن مسوول می‌باشم. با احترام:

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی تعدد زوجات

سوالنامه برای

زن اول

پرسشنامه شماره « 4 »

تاریخ _____ آدرس مصاحبه کننده : _____
 مصاحبه : _____
 ولایت مصاحبه کننده : _____
 مصاحبه کننده : _____
 ولسوالی / شهر : _____
 وقت مصاحبه : _____
 ناحیه : _____

1. چند سال دارید؟

- شوهرتان چند سال دارد.

2. تحصیلاتتان تا کدام حد است؟

نیمه سواد بیسواد
 بکلوریجا لسانس ماستر و یا بالاتر از آن

3. با شوهرتان چي قرابت دارید؟

4. لطفاً عاملي را که شوهرتان را مجبور به ازدواج دوم نمود بیان نمائید؟

5. لطفاً بطور مختصر تاریخچه زندگی خویش را شرح دهید؟

6. محل بود و باش شما و شوهرتان قبل از عروسی در کجا بود؟

زوجین شهر ده
 خانم
 شوهر

از نگاه اقتصادی فامیل شما و فامیل شوهرتان در چي سطح قرار داشت؟

- الف: هم سطح
 ب: شوهر اقتصاد قوي داشت.
 ج: خانم اقتصاد قوي داشت.

7. شما و شوهرتان از نگاه تحصیلات در کدام سطح قرار دارید؟

- الف: هم سطح
 ب: شوهر تحصیلات بلندتر دارد.
 ج: خانم تحصیلات بلندتر دارد.

8. هم مذهب هستید؟

- بلي
 نخير

9. آیا از یک قوم هستید؟

- بلي
 نخير

10. آیا طفل دارید؟

- بلي

تعداد پسر

تعداد دختر

آیا مریض هستید؟

لطفاً نوعیت مریضی خویش را بیان نمائید.

11. آیا شوهرتان زمانی که میخواست، خانم دوم بگیرد از شما اجازه گرفت؟

- بلي
 نخير

- اعتراض کردید؟
- به محکمه شکایت نمودید؟
- و یا خاموش نشستید؟
- ... به کدام دلیل

12. در فامیل شوهر تان چند نفر بیش از یک زن دارند؟

13. در فامیل خودتان چند نفر بیش از یک زن دارند؟

14. بعد از ازدواج دوم شوهر تان به چی مشکل مواجه شدید؟
لطفاً شرح دهید؟

15. نوعیت عروسی تان چگونه بود؟

- بد
- بدل
- عروسی از طفولیت
- ازدواج اجباري
- با توافق
- ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر
- و یا . . .

16. برای سایر خانمها چه پیشنهاد دارید؟

این جانب _____ تصدیق مینمایم که معلومات تهیه شده در این فورم واقعیت بوده و از حقیقت آن مسوول میباشم.
با احترام:

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی تعدد زوجات
سوالنامه برای خانم دوم، سوم و چهارم
پرسشنامه شماره «5»

آدرس مصاحبه کننده:
تاریخ مصاحبه:
ولایت مصاحبه کننده:
مصاحبه کننده:
ولسوالی / شهر:
وقت مصاحبه:
ناحیه:

1. چند سال دارید؟
شوهرتان چند سال دارد؟

2. تحصیلاتتان تا کدام حد است؟

بیسواد	نیمه سواد	بکلوریا
ماستر و یا	لسانس	بالتر از آن

3. لطفاً عاملی را که شما را مجبور نمود با مرد زنده‌دار عروسی
نمائید بیان نمائید؟

4. لطفاً بطور مختصر تاریخچه زندگی خویش را شرح دهید؟

5. اندازه در آمد ماهانه خودتان قبل از عروسی.

6. اندازه در آمد ماهانه پدر و یا فامیل پدر قبل از
عروسی

7. نوعیت عروسیتان چگونه بود

بد	<input type="checkbox"/>
بدل	<input type="checkbox"/>
ازدواج در طفولیت	<input type="checkbox"/>

- ازدواج اجباري
- رضایت طرفین
- ازدواج خانم بیوه با اقارب شوهر
- و یا . . .

----- تشریح دهید -----

8. چند طفل دارید؟ تعداد دختر تعداد پسر

9. در فامیل و قوم شوهرتان چند نفر بیش از یک زن دارند؟

10. در فامیل و قوم خودتان چند نفر بیش از یک زن دارند؟

11. شما چند خواهر و برادر هستید؟

12. آیا پدر و مادرتان حیات هست؟

بلی

نخیر

با کیها زندگی می کنید؟

13. لطفاً زندگی خویش را قبل از ازدواج شرح دهید؟

الف: آیا در فامیل پدری تان مورد خشونت قرار می گرفتید؟

بلی

بسه کدام دلیل. . .

نخیر

ب: آیا قبل از عروسی مصارف زندگی تان تأمین می شد؟

بلی

نځير

14. لطفأ يکي از خاطرهاي زندگي تانرا بيان نمائيد؟

15. چي مشکلاتي در زندگي داريد؟

16. چه پيشنهادي براي آنانکه ميخواهند با مرد زن دار عروسي نمايند داريد؟

اين جانب _____ تصديق مينمايم که معلومات تهيه شده در اين فورم واقعيت بوده و از حقيقت آن مسوول ميباشم. با احترام:

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی تعدد زوجات

سوالنامه برای

محاکم فامیلی

پرسشنامه شماره « 6 »

آدرس مصاحبه کننده :

تاریخ مصاحبه :

ولایت مصاحبه کننده :

مصاحبه کننده :

ولسوالي / شهر :

وقت مصاحبه :

ناحیه :

1. آیا قضایای ناشی از تعدد زوجات به این محکمه رجوع شده است؟

محاکم با ازدواج متعدد از نگاه قانون چگونه برخورد مینمایند؟

2. در صورتیکه مرد بر خلاف احکام شرعی و قانون مدنی برای بار دوم ، سوم و یا چهارم ازدواج نماید. در صورت شکایات متضرر « خانم اولی » محکمه چگونه فیصله می نماید؟

3. آیا بدون شکایات متضرر محاکم به این گونه قضایا رسیدگی می نماید؟

4. تخمیناً محکمه در سال جاری به چه تعداد از این گونه قضایا را حل و فصل نموده است؟

5. برای حل این مشکل چه راه های را پیشنهاد می کنید؟

این جانب _____ تصدیق مینمایم که معلومات
تهیه شده در این فورم واقعیت بوده و از حقیقت آن مسوول
میباشم.
با احترام:

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی تعدد زوجات

سوالنامه برای

ملا امامان

پرسشنامه شماره « 7 »

آدرس مصاحبه کننده:

تاریخ مصاحبه:

ولایت مصاحبه کننده:

مصاحبه کننده:

ولسوالي / شهر:

وقت مصاحبه:

ناحیه:

1. لطفاً در مورد طرز العمل نکاح معلومات بدهید؟.

2. شرایط و ارکان صحت نکاح کدام است.

3. از شاهدین و وکیل چه نوع سوالاتی پرسیده می شود؟

4. آیا از شهود و از وکیل پرسیده می شود که ناکح زن دیگر دارد و یا خیر؟

5. در صورتیکه ناکح بیشتر از یک زن داشت ملا چه گونه تصمیم می گیرد؟

6. آیا در نکاحنامه قید می گردد که در صورت که ناکح زن دیگر بگیرد حق طلاق به خانم تفویض می گردد؟

7. آیا از ناکح پرسیده می شود که از خانم اولی تان اجازه گرفته اید؟

این جانب _____ تصدیق مینمایم که معلومات تهیه شده در این فورم واقعیت بوده و از حقیقت آن مسؤل میباشم. با احترام:

ضمیمه شماره «3»

